فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره بیستم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۱۴-۸۳ New Period, No 20, 2019, P 83-114
شماره شاپا (۷۰۱۸-۲۴۷۶) ISSN (2476-7018)

سیاست خارجی ایران در مورد صادرات نفت و گاز در دوره پسا برجام

وسام غلامزاده
کارشناس ارشد

چکیده

در این پژوهش به بررسی سیاست خارجی ایران در مورد صادرات نفت وگاز در دوره پسا برجام پرداخته شده است. نفت‌خیز بودن ایران و قابلیت ممتاز ژئوپلیتیک ایران به عنوان شاهراهی برای صدور و انتقال نفت خام، همواره به عنوان یکی از امتیازات قابل توجه کشورمان در چانه زنی‌های بین‌المللی مطرح بوده است، بر این اساس، بروز تنش‌های سیاسی میان ایران و آمریکا که به تحریم ایران منجر شد، به طور مشخص فروش نفت ایران را هدف گرفته بود. اگرچه از ابتدا تمام سناریوهایی که برای ناکام گذاشتن فروش نفت ایران در بازارهای جهانی به علت عطش بازار و نقش استراتژیک ایران در این حوزه طرح‌ریزی شده بود با موانعی مواجه شد، اما در نهایت تحریم‌ها جدی‌تر شده و روند صادرات نفت ایران را در مسیر نزولی قرار داد. با توجه به این امر، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مورد صادرات نفت و گاز در دوره پسا برجام چگونه بوده است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شده است که با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به عواید ناشی از فروش انرژی‌های فسیلی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر صادرات حداکثری نفت و انرژی در دوره پسا برجام بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با روی کار آمدن دولت روحانی و شکل‌گیری توافق هسته‌ای موسوم به برجام، زمینه برای افزایش صادرات نفت و انرژی فراهم آمد. در این دوره، نفت و انرژی از لحاظ درآمدی و همچنین میزان تولید به نسبت دوران قبل از آن بیشتر شد. نوع روش تحقیق حاضر توصیفی – تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، صادرات، نفت، انرژی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

مقدمه

اعمال تحریم‌های اقتصادی و به دنبال آن ضعف مدیریت تحریم‌ها و آثار آن، سبب کاهش توان فنی و اقتصادی صنعت نفت و به دنبال آن افزایش آسیب‌های این صنعت صدساله در کشور شده بود به گونه‌ای که صادرات نفت به کمتر از یک میلیون کاهش یافته بود و عملا بسیاری از طرح‌های توسعه‌ای صنعت نفت به دلیل خروج شرکت‌های خارجی طرف قرارداد و همچنین کمبود شدید منابع مالی داخلی به حالت تعلیق و توقف درآمده بود. این مساله به صورت مشخص طرح‌های توسعه‌ای در حوزه پایین دستی و همچنین حوزه توزیع فراورده‌های نفتی را نیز تحت تاثیر قرارداده بود. شرایط تحریم به طور طبیعی موجب آسیب‌پذیری بالای کشور شده بود. این می‌توانست قدرت مانور و اعتماد به نفس تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای را در مواجهه با زیاده خواهی طرفین مقابل کاهش دهد. مدیریت صنعت نفت در دولت یازدهم از ابتدا با درک درست و دقیق شرایط کشور در مذاکرات هسته‌ای از یک سو و کاهش آسیب‌های وارده به صنعت نفت و جبران عقب‌ماندگی‌های تحمیلی از سوی دیگر، برنامه مشخص و هدفمندی را طراحی و به مرحله اجرا گذاشت. در این راستا، افزایش تولید نفت و گاز، ساماندهی فروش نفت و خارج ساختن آن از روندهای غیرمتعارف، حاشیه ساز و فسادآور، بهبود کیفی محصولات و فرآورده‌های نفتی توزیعی در داخل کشور به ویژه بنزین و گازوئیل، تامین و تزریق منابع مالی برای توسعه برخی طرح‌های استراتژیک و حساس صنعت نفت و نهایتا بازکردن باب رایزنی و تعامل با دولت‌ها و شرکت‌های خارجی برای بازاریابی و دسترسی به منابع مالی حاصل از فروش نفت در دستور کار قرار گرفت. از آنجایی که در پژوهش حاضر سعی می‌شود وضعیت صادرات نفت و انرژی در دوران پسا برجام مورد واکاوی قرار گیرد در نتیجه پژوهش حاضر واجد اهمیت و ضرورت است.

موقعیت ژئواکونومیک ایران

با تحولات صورت گرفته در رویکردهای ژئوپلیتیکی و اهمیت یافتن منابع نفت و گاز در معادلات جهانی، ایران در کانون منطقه‌ای قرار گرفته است که در تولید و انتقال نفت و گاز جهان نقشی حیاتی ایفا می‌کند. به طوری که از نظر کارکرد بسان قلب جهان عمل می‌کند. از این رو، در ژئوپلیتیک انرژی جهان، ایران از دو جهت در کانون توجه و مرکز تعاملات بین‌المللی قرار دارد. موقعیت ژئوپلیتیک ایران و قرار گرفتن در کانون بیضی انرژی جهانی: بر همین مبنا جفری کمپ، متأثر از نظریه هارتلند مکیندر، از بیضی انرژی جهانی یا هارتلند ژئوپلیتیک یاد می‌کند (کمپ و هارکاوی، ۱۳۸۳: ۱۴- ۱۳). همچنان که در نقشه‌های مذکور ملاحظه می‌شود، ایران در مرکز بیضی استراتژیک انرژی (هم نفت و هم گاز) قرار دارد. مضافا اینکه این سرزمین قلب، محل اتصال قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا نیز می‌باشد. به عبارتی از نظر جغرافیایی نیز می‌توان آن را منطقه‌ای مرکزی و کانونی برای خشکی‌های جهان به حساب آورد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

طبق برآوردها، اقتصاد جهانی تا آینده قابل پیش بینی همچنان به انرژی نفت وابسته خواهد ماند. این در حالی است که میزان تقاضای جهانی برای نفت از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۲۵سالانه ۱/۹ درصد افزایش خواهد یافت که بیشترین رشد طی این دوره به ترتیب مربوط به کشور چین، هند، روسیه، آمریکای شمالی و کشورهای اروپایی و پاسیفیک خواهد بود. اما همچنان کشورهای آمریکای شمالی، بیشترین میزان تقاضای جهانی انرژی را به خود اختصاص خواهند داد به طوری که در سال ۲۰۳۰، تقاضای این کشورها حدود ۳۰/۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود که رقمی حدود ۲۷٪ تقاضای جهانی نفت می‌باشد. این در حالی است که ایران به عنوان یکی از مهمترین تولیدکنندگان انرژی در جهان در سطوح امنیت جهانی انرژی نقش تعیین‌کننده‌ای را بر عهده دارد و با داشتن ۱۳۷/۶ میلیارد بشکه نفت، ۱۰/۹ درصد از ذخایر جهانی نفت را به خود اختصاص داده است (مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۲). (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: میزان ذخایر، تولید و مصرف نفت کشورهای حاشیه خلیج فارس در پایان سال ۲۰۰۸ م

کشور	میلیارد بشکه	درصد از کل	تولید (هزار بشکه در روز)	مصرف (هزار بشکه در روز)
عربستان	۲۶۴/۱	۲۱/۰	۱۰۸۴۶	۲۲۲۴
ایران	۱۳۷/۶	۱۰/۹	۴۳۲۵	۱۷۳۰
عراق	۱۱۵/۰	۹/۱	۲۴۲۳	–
کویت	۱۰۱/۵	۸/۱	۲۷۸۴	۳۰۰
امارات متحدهٔ عربی	۹۷/۸	۷/۸	۲۹۸۰	۴۶۷
قطر	۲۷/۳	۲/۲	۱۳۷۸	۱۰۴
عمان	۵/۶	۰/۴	۷۲۸	–
کل منطقهٔ خلیج فارس	۷۴۸/۹	۵۹/۵	۲۵۴۶۴	۴۸۲۵

جدول از: مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۲

در زمینه گاز طبیعی نیز، ایران با ۲۹/۶۱ تریلیون مترمکعب، ۱۶ درصد ذخایر گاز جهان و رتبه اول خاورمیانه و دوم جهان قرار دارد که عمر آن نیز براساس تولید فعلی حدود ۲۰۰ سال می‌باشد (جدول شماره ۲)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

جدول شماره ۲: میزان ذخایر، تولید و مصرف گاز کشورهای حاشیه خلیج فارس در پایان سال ۲۰۰۸ م

کشور	تریلیون متر مکعب	درصد از کل	تولید (میلیارد متر مکعب)	مصرف (میلیارد متر مکعب)
عربستان	۷/۵۷	۴/۱	۷۸/۱	۷۸/۱
ایران	**۲۹/۶۱**	**۱۶/۰**	**۱۱۶/۳**	**۱۱۷/۶**
عراق	۳/۱۷	۱/۷	–	–
کویت	۱/۷۸	۱	۱۲/۸	۱۲/۸
امارات متحدهٔ عربی	۶/۴۳	۳/۵	۵۰/۲	۵۸/۱
قطر	۲۵/۴۶	۱۳/۸	۷۶/۶	۱۹/۸
بحرین	۰/۰۹		۱۳/۴	–
عمان	۰/۹۸	۰/۵	۲۴/۱	–
کل منطقهٔ خلیج فارس	۷۵/۰۹	۴۰/۶		۲۸۶/۴

جدول از: مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۵

سه حوضه بزرگ ذخایر گازی جهان یعنی خلیج فارس، سیبری غربی و آسیای مرکزی (ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان) و در یک محدوده بیضی شکل، ۷۰/۲ درصد گاز دنیا را در خود جای داده‌اند که از آن تحت عنوان «بیضی استراتژیک ذخایر گازی جهان» یاد می‌شود (نقشه شماره ۲). این ذخایر عظیم گازی در میان دو بازار بزرگ مصرف اتحادیه اروپا و جنوب شرق آسیا قرار گرفته است (ویسی، ۱۳۸۷: ۳۰۲). ایران با توجه به این قابلیت‌های ژئواکونومیکی خود و با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و همچنین منابع انرژی فراوانش می‌تواند پاسخگوی نیاز این کشورها باشد. آنچه مسلم است اینکه در دهه‌های آتی در ژئوپلیتیک گاز، ایران نقش تعیین‌کننده و کلیدی را بر عهده خواهد داشت و منابع گاز ایران می‌تواند نقش راهبردی در امنیت انرژی داشته باشد. زیرا از یک سو گاز در استراتژی امنیت انرژی مصرف‌کنندگان آسیایی جایگاهی ویژه یافته است و از سویی دیگر، ایران دارنده دومین ذخایر گاز جهان پس از روسیه است.

بنابراین، ایران با برخورداری از این موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز در جهان و تجربه طولانی در حوزه انرژی و موقعیت جغرافیایی مناسب، در خلیج فارس و دریای خزر و همسایگی با آسیای مرکزی، از امکان ایجاد پیوند میان منابع انرژی خود از جنوب، شرق و شمال شرقی به وسیله خطوط لوله به مصرف‌کنندگان آسیایی، برخوردارست. از این رو ایران، با در اختیار داشتن دومین ذخایر بزرگ گاز جهان و همسایگی با دو حوزه بزرگ مصرف‌کننده گاز یعنی هند و چین در شرق و اروپا در غرب، آنچنان جایگاهی در حیطه منابع هیدروکربوری در اختیار دارد که حتی تلاش‌های بی‌وقفه ایالات متحده در جلوگیری از گسترش مبادلات انرژی ایران و کار شکنی های متعدد این کشور در فرایند

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

صادرات انرژی از ایران به کشورهای مختلف نیز نتوانسته است از شدت علاقمندی آنها به انرژی ایران بکاهد. به واسطه این اهمیت ژئواکونومیک و اهمیتی که به لحاظ تجاری و اقتصادی این منطقه پیدا می‌کند، منطقه خاورمیانه و در کانون آن ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا، ایران کشوری است که امنیت آن و محیط پیرامونش برای محافل بین‌المللی اهمیت دارد. از این رو زمانی که میزان ذخایر هارتلند انرژی را در یک معادله و جاذبه ها و تقاضاهای مصرف جهانی، بویژه ایالات متحده آمریکا و هم پیمانان آن در معادله دیگری قرار دهیم، حضور و نفوذ آمریکا و محاصره کانون انرژی جهان و مخالفت و مقابله با ایران قابل تبیین خواهد بود.

موقعیت ایران از لحاظ مسیرهای انتقال انرژی و نقش حیاتی این کشور در امنیت جهانی نفت و گاز: ایران با موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ویژه‌ای که برای منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی دارد، یک کشور ترانزیتی مطلوب است و می‌تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد و حتی از طریق ترکیه به اروپا برساند. با وجود تلاش دولت آمریکا برای نادیده گرفتن این ویژگی و سیاسی کردن راه انتقال نفت و گاز، هنوز ایران به عنوان امن ترین، اقتصادی ترین و کوتاه ترین مسیر برای انتقال منابع انرژی به آبهای آزاد مطرح است. در جهانی که امنیت ملی کشورها با تأمین انرژی گره خورده است، حفظ و پاسداری از این موقعیت ویژه برای ایران اهمیتی استراتژیک دارد. داشتن نقش اساسی در تأمین انرژی جهان، که ضامن درآمدهای کافی برای توسعه کشور باشد، امنیت ملی کشور را نیز تضمین خواهد کرد. بنابراین هدف استراتژیک بخش نفت و گاز کشور می‌تواند کسب سهم بیشتر در تأمین تقاضای جهانی انرژی طی دو دهه آینده باشد. این امر از یک سو، به معنای حداکثرسازی برخورداری از منافع بازار بین‌المللی انرژی و از سویی دیگر، بیانگر افزایش وابستگی کشورهای جهان به نفت (به شمول فرآورده‌های نفتی، گاز طبیعی و فرآورده‌های آن) و یافتن جایگاهی راهبردی برای ایران در انرژی جهان است. حداکثرسازی در آمدهای نفتی، مستلزم اتخاذ تدابیری هماهنگ در دو مقوله، یعنی افزایش حجم صادرات و ثبات یا افزایش قیمت نفت می‌باشد. (مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

در این رابطه تعامل ایران با کشورهای منطقه و جهان و ایجاد شبکه های منطقه‌ای برای استفاده از مزیت‌های ایران در زمینه انرژی، خود زیربنای محکمی برای تأمین امنیت کشور و جلوگیری و یا محدودسازی تهدیدات کشورهای مخالف ایران است. در واقع می‌توان در این چارچوب ادعا کرد که انرژی یکی از حلقه‌های پیوند ایران با جهان خارج است و از این حیث دیپلماسی انرژی ایران و توسعه ملی کشور به صورت متقابل با یکدیگر تعامل و پیوندی عمیق می‌یابند در سال‌های اخیر، سیاست برقراری پیوند راهبردی بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آسیایی، به عنوان حرکتی اقتصادی و نیز در جهت امنیت ملی کشور طراحی و پیگیری شد. برقراری ارتباط با شرکت های آسیایی، با اولویت و محوریت کشورهای چین، هند، ژاپن به عنوان بزرگترین مجموعه مصرف‌کنندگان فعلی و آتی جهان و قطب مصرف آسیا، در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

اجرای همین سیاست بوده است. همچنین تلاش در جهت تحقق ایده اتصال چین به خط لوله گاز ایران – پاکستان – هند را می‌توان گام نخست و اساسی در جهت نیل به وابستگی متقابل آسیایی دانست. زیرا در صورت تحقق این ایده، غرب آسیا و ایران، نقش مهمی در تأمین امنیت انرژی شرق و جنوب این قاره بر عهده خواهند گرفت و در نتیجه وابستگی متقابل دو سوی قاره را معنادار خواهند کرد.

به علاوه، تحقق خط لوله گاز میان هند و پاکستان که از آن به عنوان «خط لوله صلح» نیز نام برده می‌شود، تأثیرات عمده ای در حل یکی از مهمترین بحران های قاره آسیا (اختلافات کشمیر میان هند و پاکستان) خواهد داشت و گامی اساسی در جهت تحقق «صلح و توسعه» در بخش مهمی از این قاره خواهد بود(ملکی، ۱۳۸۶: ۲۱۸). بر این اساس یکی از راه هایی که ایران می‌تواند ضریب امنیت ملی خود را افزایش دهد، توجه به سیاست خارجی مبتنی بر امنیت انرژی است. دیپلماسی انرژی انجام ماموریت‌های دیپلماتیک در حمایت از تجارت کشور و بخش مالی در تشویق موقعیت اقتصادی و اهداف کلان توسعه کشور در بخش انرژی و شامل تشویق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در حوزه انرژی است.

براین اساس جمهوری اسلامی ایران که به عنوان یک کشور مهم از دید استراتژیک در دوران جنگ سرد مطرح بود، اکنون با عامل اقتصادی (ژئواکونومی) منطبق شده است و موقعیت منطقه‌ای آن در دوران جنگ سرد، به موقعیت ممتاز بین‌المللی در عرصه جهانی بدل گشته است. این موقعیت استثنایی، جایگزین‌ناپذیر بوده و نقش محوری در تدوین استراتژی‌های جهانی قدرت در سده حاضر خواهد شد. به طوری که ایران با تسلط طبیعی بر تنگه هرمز و جزایر استراتژیک اطراف آن و همچنین هم مزر بودن با دومین منبع عمده نفت و گاز جهان در شمال، موجب می‌گردد جایگاه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از نقش‌آفرینان اصلی استقرار صلح و ثبات بین‌المللی در سده بیست و یکم باشد.

جمهوری اسلامی ایران نیز باید به تدوین بپردازد که هم جوابگوی مشکلات و مطالبات منطقه‌ای و جهانی باشد و هم به نحو «دستور کار ژئوپولتیکی» یک بسیار مطلوب، متضمن امنیت و منافع ملی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی گردد.

ژئوپلیتیک نفت و گاز ایران

جغرافیای نفت و گاز فرصت ژئواکونومیک مناسبی را پیش روی ایران قرار داده است. ایران ۱۰/۳ درصد ذخایر اثبات شده نفت خام جهان و ۱۵/۸ درصد ذخایر اثبات شده ی گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. ذخایر نفت خام ایران (۱۳۷/۶ میلیارد بشکه در اول سال ۲۰۱۰ میلادی) به مراتب بیشتر از ذخایر نفتی قاره‌ی آفریقا با ۱۱۷/۵ میلیارد بشکه (۹/۵ درصد ذخایر جهانی) یا آمریکای مرکزی و جنوبی با ۱۱۱/۲ میلیارد بشکه (۹ درصد ذخایر جهانی) است. همچنین ذخایر نفتی ایران، کمابیش با مجموع ذخایر نفتی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

اروپا و اوراسیا با ۱۴۳/۷ میلیارد بشکه که حدود ۱۱/۶ درصد از ذخایر جهانی است، برابری می‌کند. (مهدیان و فخری، ۱۳۹۱: ۴۹).

جدول ۱. ذخیره، تولید و عمر ذخایر نفت خام و گاز طبیعی ایران (ژانویه ۲۰۱۰)

ایران	ذخیره در پایان ۱۹۸۷	ذخیره در پایان ۱۹۹۷	ذخیره در پایان ۲۰۰۵	ذخیره در ژانویه ۲۰۰۸
نفت خام	۹۲/۹	۹۲/۶	۱۳۷/۵	۱۳۸/۴
گاز طبیعی	۱۳/۹۶ (تریلیون فوت مکعّب)	۲۳/۰ (تریلیون فوت مکعّب)	۲۷/۵۸ (تریلیون فوت مکعّب)	۲۹/۶۱ (تریلیون فوت مکعّب)

ایران	ذخیره در ژانویه ۲۰۱۰	تولید در پایان سال ۲۰۰۹	درصد از ذخائر جهانی	عمر ذخائر (ذخیره بر تولید
نفت خام	۱۳۷/۶	۴/۲ میلیون بشکه در روز	۱۰/۳	۸۹/۴ (سال)
گاز طبیعی	۱۰۴۵/۷ (تریلیون فوت مکعّب)	۱۳۳/۱ (میلیون متر مکعّب)	۱۵/۸	بالای یکصد سال

همچنین ایران با ذخیره‌ی ۱۰۴۵/۷ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی، پس از روسیه در جایگاه دومین دارنده‌ی بزرگ ذخایر گاز طبیعی جهان قرار دارد (جدول شماره‌ی ۲).

جدول۲. ذخایر گاز طبیعی ایران از ۲۰۰۹-۱۹۸۶

ایران	ذخیره در پایان۱۹۸۶ (تریلیون متر مکعّب)	ذخیره در پایان۱۹۹۶ (تریلیون متر مکعّب)	ذخیره در پایان۲۰۰۵ (تریلیون مترمکعّب)	ذخیره در ژوئن ۲۰۰۹ (تریلیون متر مکعّب)
گاز طبیعی	۱۳/۹۶	۲۳/۰	۲۷/۵۸	۲۹/۶۱

ایران	ذخیره در ژوئن ۲۰۰۹ (تریلیون فوت مکعّب)	تولید در پایان ۲۰۰۸ (میلیون متر مکعّب)	درصد از ذخائر جهانی	عمر ذخائر (ذخیره بر تولید)
گاز طبیعی	۱۰۴۵/۷	۱۱۶/۳	۱۶/۰	بالای یکصد سال

ایران با منابع عظیم انرژی یاد شده به عنوان متغیرهای تأثیرگذار جغرافیایی، ظرفیت و قابلیت رسیدن به یکی از شرکای محوری مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی جهان را دارد.

ظرفیت صادرات گاز طبیعی ایران هم اکنون برابر با ۷ میلیارد متر مکعب در سال است و پیش بینی می‌شود، ظرفیت صادرات گاز طبیعی ایران در سال ۲۰۲۰، بیش از ۱۰ برابر حال حاضر شده و به ۸۰ میلیارد مترمکعب در سال برسد. در سال ۲۰۲۰ اروپا و آسیای جنوبی، به ویژه پاکستان و هند، بزرگترین واردکنندگان گاز طبیعی ایران خواهند بود. همچنین پیش‌بینی می‌شود، در سال ۲۰۲۰ ترکیه، ایتالیا و یونان، مهمترین واردکنندگان گاز ایران در بازار غرب باشند و گاز ایران پس از طی خاک این سه کشور، به اتریش و همسایگانش برسد. (مهدیان و فخری، ۱۳۹۱: ۵۰).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

از دیگر ویژگی های ژئوپلیتیک انرژی ایران که سبب ارتقای جایگاه ایران در امنیت انرژی جهانی شده، واقع شدن ایران در مرکز کانون استراتژیک انرژی جهان است. ایران با جای گرفتن در منطقهی خاورمیانه و بین دو حوزهی سرشار از انرژی؛ یعنی خلیج فارس و دریای خزر، اهمیت ژئواستراتژیک بسیار دارد و همچون پل پیونددهندهی این دو منطقه مطرح است (بهروزی فر، ۱۳۸۳: ۳۲). کمابیش دو سوم ذخایر اثبات شدهی نفت و یک سوم ذخایر اثبات شده ی گاز طبیعی جهان، در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارد. اگر ذخایر برآورد شدهی دریای خزر به آن اضافه شود، ذخایر نفت به ۷۰ درصد و ذخایر گاز به بیش از ۴۰ درصد می رسد. به همین دلیل بیضی انرژی خلیج فارس - دریای خزر یکی از مهمترین موقعیت‌های استراتژیک دوران ماست (کمپ و هارکاوی، ۱۳۸۳: ۱۸۷-۱۸۸) که ایران در مرکز آن قرار دارد.

منابع عظیم نفت و گاز واقع شده در منطقه ی خلیج فارس و ترانزیت روزانه ی حدود ۱۷ میلیون بشکه نفت خام از تنگه هرمز، همچنین وجود حوزه های قابل توجه نفت و گاز در کشورهای حوزهی خزر و عدم دسترسی این کشورها به آبهای آزاد، موقعیت ممتاز جغرافیایی را برای ایران به وجود آورده که می‌تواند آن را به عنوان یکی از مسیرهای اصلی انتقال انرژی از این حوزه‌ها به سایر نقاط جهان مطرح کند و در صورت استفاده از این قابلیت‌های بالقوه، ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین امنیت انرژی جهان خواهد داشت (مبینی دهکردی، ۱۳۸۸: ۱۸).

ایران، به عنوان اقتصادی‌ترین، امن‌ترین و نزدیکترین گذرگاه گازی کشورهای آسیای میانه به بازارهای جهانی و به ویژه، کشورهای جنوب آسیا و اروپا و نقشی انکار نشدنی در بازارهای جهانی انرژی داشته و خواهد داشت. از سویی با توجه به موقعیت جغرافیایی پراهمیت ایران، هند، چین و کشورهای اروپایی بزرگترین بازار بالقوه گاز طبیعی ایران به شمار می‌آیند. بر پایه‌ی پیش بینی‌ها، مصرف گاز در این مناطق در دو دهه آینده، به دلیل نیاز نیروگاه‌های برق و مسائل زیست‌محیطی، افزایش خواهد یافت. بنابراین منطقی است که زمینه‌های انتقال گاز طبیعی از ذخایر بسیار سرشار ایران به بازارهای رو به رشد (حتی به صورت لوله یا ال. ان. جی) بررسی شود (بهروزی فر، ۱۳۸۳: ۲۰۶). بنابراین می‌توان ادعا کرد که انرژی یکی از حلقه های پیوند ایران با جهان خارج است و از این نظر، دیپلماسی انرژی ایران و توسعه ملی کشور، به صورت متقابل با یکدیگر تعامل و پیوندی عمیق می یابند. همین جایگاه مهم و حساس است که توسعه‌ی صنعت نفت را به کانون توسعه ی ملی تبدیل می‌کند. به این ترتیب می‌توان گفت که موضوع انرژی و چگونگی توسعه‌ی آن برای جمهوری اسلامی ایران، هم به عنوان یک ابزار قدرت و هم به عنوان یک هدف سیاست خارجی مطرح است (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۴).

ایران به‌دلیل دارا بودن دومین منابع عظیم انرژی (نفت و گاز) و همچنین موقعیّت ژئوپلیتیک مناسب؛ یعنی واقع شدن درمیان دو کانون مهم انرژی دنیا (خلیج فارس و دریای خزر) در جایگاه ویژه‌ای از نظر تأمین

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

انرژی و امنیّت آن قرار گرفته است. انرژی و امنیّت آن با توجّه به اهمّیّتی که برای مصرف‌کنندگان دارد، می‌تواند به یکی از محمل‌های پیوند ایران با قدرت‌های مؤثّر در نظام جهانی تبدیل شود. برقراری پیوندهای انرژی با کشورهای مهم و تأثیرگذار در عرصه‌ی بین‌المللی، افزون بر منافع اقتصادی، منافع امنیّتی قابل توجّهی را برای کشور در پی خواهد داشت؛ زیرا این کشورها را در تأمین یک کالای استراتژیک و امنیّت آن، به میزان قابل توجّهی به ایران وابسته می‌کند. از مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی جهان می‌توان کشورهای عضو اتّحادیه‌ی اروپایی را نام برد که هم‌اکنون در کنار ایالات متّحده‌ی آمریکا، در صدر بزرگترین مصرف‌کنندگان انرژی جهان قرار دارند. زمینه‌های انرژی ایران، از جمله فرصت‌های پیش روی این کشورها برای تنوّع بخشی به بازار بزرگ تقاضای انرژی‌شان است، اما این کشورها با وجود نیاز بالا به واردات انرژی در طول دهه‌ی اخیر، به‌دلیل اختلاف‌های سیاسی، نه‌تنها پایین‌ترین سطح روابط انرژی را با جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند، بلکه در مواردی نیز، به‌دلیل هم‌سویی با سیاست‌های ضدّایرانی آمریکا، مانع از تحقّق فرصت‌های ژئوپلیتیک انرژی ایران شده‌اند. ادامه‌ی این روند با توجّه به جایگاه ایران در امنیّت انرژی منطقه‌ای و جهانی و همچنین نیاز رو به افزایش کشورهای اروپایی به واردات نفت و گاز، در دراز مدّت، در راستای اهداف امنیّت انرژی کشورهای یاد شده نیست.

جایگاه نفت و گاز در سیاست خارجی ایران در خلیج فارس

انرژی‌های فسیلی در شکل دهی رفتارهای سیاسی کشورها در منطقه خلیج فارس به دلیل اتکای اقتصاد آنها به این انرژی‌ها بسیار تأثیر گذار هستند. به عبارت دیگر انرژی‌های فسیلی به طور ذاتی این ظرفیت را دارد که در صورت عدم تحریک توسط عاملی دیگر به تنهایی درصد بسیار بالایی از کنش ها و واکنش های سیاسی را در منطقه شکل دهند چرا که مسئله‌ای مانند میادین مشترک نفتی و گازی به صورت صرف، محل رقابت و تقابل با تعامل رفتار سیاسی میان کشورهای مشترک در آن است و این خود نیازی به عامل دیگر جهت به فعلیت رساندن این ظرفیت ندارد.

در تجزیه و تحلیل مسائل پیرامون انرژیهای فسیلی در خلیج فارس مشاهده می‌شود سیاست خارجی ایران در قبال انرژی‌های فسیلی خلیج فارس در چارچوب دو عامل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و عراق قرار دارد. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و عراق مسائل مختلفی در ارتباط با ژئوپلیتیک و انرژی‌های فسیلی در برابر سیاست خارجی ایران قرار داده‌اند. علاوه بر موارد ذکر شده، عوامل تشدیدکننده دیگری نیز وجود دارند که حتی با اندکی دخالت در ساختار موجود، کارکرد سیاسی آن را در این منطقه به شکل بسیار مشهودی دچار تغییر می‌کنند. به عبارت دیگر میزان مشخصی از این دخالت نتیجه ای بیش از آن میزان را در پی دارد. بنابراین مجموع این عوامل باعث شکل‌گیری نتایجی بسیار پیچیده، مبهم و غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد. (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۸-۶۹).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

در سیستم تابعه خلیج فارس نیروی مداخله‌گر به عنوان عامل دوم، همواره موضعی بوده است که در صورت عدم وجود این عامل، به شکل‌های دیگری بروز پیدا می‌کردند. نیروی مداخله‌گر با مداخله در اصلی ترین عامل ژئوپلیتیک این منطقه، یعنی انرژی‌های فسیلی زمینه رفتارها، رقابت‌ها و درگیری میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را به صورت جدی به وجود آورده است. با توجه به این موضوع که کشورهای مرکزی در سیستم تابعه خلیج فارس و در رأس آن عربستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره با نوعی بدبینی نسبت به ایران، برداشت متفاوتی از مفاهیمی چون امنیت، انرژی و ارتباط با جهان ابر قدرت داشته و دارند. از این رو راه پیگیری برداشت‌های خود را در برقراری روابطی گرم و دوستانه با نیروی مداخله‌گر می‌بینند و زمینه را برای حضور این نیرو در اصلی‌ترین بخش اقتصادی – سیاسی خود یعنی انرژی فراهم می‌کنند. بنابر این میان منافع ملی ایران و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تعارض و تضاد به وجود می‌آید. بدیهی است که در سیاست خارجی به عنوان ابزار دستیابی به این منافع بروز این تعارض و تضاد دور از ذهن نخواهد بود. با توجه مسائل مورد بررسی، سیاست خارجی ایران با توجه به عامل انرژی‌های فسیلی می‌تواند در سه قالب شکل‌گیری و اجرا شود.

رویکردهای مختلف در روابط ایران و کشورهای خلیج فارس با توجه به عامل نفت و گاز

الف) رویکرد اول؛ تقابل

سیاست خارجی تقابلی با توجه به زمینه موجود و اختلافی که بر سر موضوع خاصی شکل می گیرد و همچنین کشور مقابل یعنی کشوری که این اختلاف را به وجود می آورد و می‌تواند ایجاد شود. به عبارت دیگر مجموع دو عامل نوع مسئله و نوع رابطه با کشور ممکن است سیاست خارجی تقابلی را در قبال آن کشور به ظهور برساند. در شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی، ایران با توجه به این دو متغیر گاه رویکرد تقابلی را انتخاب کرده است. یعنی آنجا که هم مسئله و هم کشور مدنظر ایجاب می‌کند، سیاست خارجی تقابلی را در دستیابی به منافع حداکثری مناسب دانسته است. در منطقه خلیج فارس روابط سیاسی عراق با ایران در برهه‌های مختلف زمانی دارای فراز و نشیب های مختلفی بوده است. مثلا در دوره حکومت صدام حسین نوع روابط ایران با این کشور در بدترین شرایط خود (جنگ هشت ساله) قرار داشت ناگزیر سیاست تقابلی را پیش پای تصمیم‌گیران سیاسی کشور قرار می‌داد. اما در حال حاضر در میان عوامل رقابت را حول موضوع انرژی‌های فسیلی میان ایران و عراق به نظر می‌رسد به دلیل آن که روابط سیاسی در حال پیشرفت و گسترش می‌باشد، هر چند مسئله حاد و تنش آفرین باشد (مانند افزایش تولید نفت عراق و پیشی گرفتن از تولید ایران) بازهم رویکرد تفایلی را در سیاست خارجی ایران در قبال آن کشور شکل داده و مورد اجرا قرار نمی‌دهد. (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۰).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

اما سیاست تقابلی در قبال کشورهای دیگر خلیج فارس می‌تواند به فعلیت برسد. همان طور که پیش از این بیان شد نوع روابط سیاسی با برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به گونه‌ای است که گاهی این روابط دچار تلاطم شده و گاه به اظهار نظرهای تند در قبال آنها رسیده است. بنابراین آنجا که روابط حاکم بر ایران و این کشورها روابطی پر التهاب و موضع گیرانه بوده، عامل انرژی باعث می‌شود سیاست خارجی هر دو طرف، تقابلی پیش رود تا جایی که مثلا کشوری مانند قطر در مجمع عمومی سازمان ملل در جریان بررسی برنامه هسته‌ای ایران به صورت ضمنی خواستار تحریم‌های بیشتر جمهوری اسلامی ایران می‌شود. از این رو از آنجا که نیروی مداخله‌گر نیز رویکردی تقابلی را در قبال ایران اتخاذ کرده است، طبیعی است که رویکرد سیاست خارجی ایران در صورت تضاد منافع در بحث انرژی تیز باهم پیمان این نیرو در منطقه تقابلی می‌تواند باشند.

ب) رویکرد دوم؛ تعامل

سیاست خارجی تعامل‌گرایانه در برخی حالت توانسته و می‌تواند رویکرد جمهوری اسلامی ایران باشد. در این حالت نوع روابط سیاسی دارای ظرفیت همکاری و تعامل بوده و موضوع پیرامون انرژی‌های فسیلی نیز این امکان را داده است که همکاری و تعامل شکل گیرد، و این مسئله تبدیل به یک فرصت شود. مثلا نوع روابط سیاسی فعلی ایران و عراق باعث شده است که حول موضوعی مانند اکتشاف در میادین مشترک، انتقال خط لوله گاز ایران به مشتریان خارجی از خاک عراق و بسیاری مسائل دیگر پیرامون انرژی نه تنها تقابلی صورت نگیرد، بلکه حمایت‌های سیاسی و اقتصادی دوجانبه و ایجاد روابطی عمیق تر به وجود بیاید. این تعامل و نزدیکی سیاست‌های دوجانبه را می‌توان در نشست خرداد ماه ۱۳۹۱ اوپک به وضوح مشاهده نمود. در این نشست ایران و عراق در موضعی هماهنگ از عربستان سعودی خواستند که میزان تولید خود را کاهش دهد. (حسین پور، ۱۳۹۵: ۸۴).

ج) رویکرد مسابقه محور

اساساً فضای بین‌المللی، محیطی است که خواسته یا ناخواسته موجودیت هر کشوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان کار ویژه‌ای اصلی برای هر دولت، مدیریت نحوه تعامل با دنیای خارج است. این مدیریت گاه موجب شده است که ابزار دستیابی به منافع ملی یعنی سیاست خارجی گاه به سمت تنش و ستیزه پیش رفته و گاه شکلی نرم و رویکردی تعامل‌گرایانه و حتی منفعلانه به خود بگیرد. در منطقه خلیج فارس در طول أدوار مختلف هم شاهد رویکرد نخست و هم شاهد رویکرد دوم بوده‌ایم. اتخاذ هریک از این رویکردها در زمان خود گاه اجتناب‌ناپذیر بوده است و گاه می‌توانسته با تغییر رویکرد نتیجه‌ای مناسب‌تر را برای منافع ملی کشور تأمین کند. این به معنای نفی سیاست‌های گذشته نیست. رویکرد مسابقه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

در سیاست خارجی رویکردی جدیدی است که بیش از اینکه کشور را متغیری وابسته نماید، آن را متغیری مستقل ساخته که تحولات و رویدادهای منطقه‌ای را به صورت وابسته خود در می‌آورد در واقع این رویکرد، همان افزایش کار و تلاش مضاعف است.

در توضیح این رویکرد در سیاست خارجی پیرامون موضوع انرژی‌های فسیلی باید گفت: رویکرد مسابقه محور در سیاست خارجی در رابطه با میادین مشترک؛ سیاست خارجی ایران با توجه به اقدامات انجام گرفته در طرف مقابل و به متناسب با آن، اقدامات و سرمایه‌گذاری‌های داخلی را سازماندهی می‌نماید. همچنین در حوزه افزایش تولید و رقابت بر سر میزان آن، رویکرد مسابقه به گونه‌ای است که از همه ظرفیت‌های موجود برای عقب نماندن از این رقابت استفاده می‌نماید و به جای تخریب و موضع‌گیری در مقابل طرف‌های مقابل (تقابل) تلاش دارد در پی راهکارها و امکاناتی در سطح بین الملل باشد که زمینه را برای رسیدن به سطح تولید مورد نظر فراهم نماید. بنابراین در رویکرد مسابقه محور به سیاست خارجی، مانند دو رویکرد قبلی چندان شرایط روابط سیاسی دو جانبه و همچنین مسئله مرتبط با انرژی مطرح نیست بلکه با هر سطح روابط و در هر مسئله‌ای می‌توان ورود پیدا کرد و به نتیجه رسید چرا که در واقع سرنوشت مسائل به دست خود است تا تحت تأثیر محیط خارجی.

تحریم‌های اقتصادی و اهداف ژئوپلیتیک آن

موقعیت ژئوپلیتیک در عرصه انرژی ارکان متعددی دارد. یکی از این ارکان، میزان ذخایر نفت و گاز است. ولی این ذخایر بدون بهره‌برداری حائز اهمیت ژئوپلیتیک نیست. به همین دلیل، یکی از مهم‌ترین اهداف اسناد بالادستی تولید متناسب با حجم ذخایر است. در مقابل، مهم‌ترین هدف تحریم ها کاهش ظرفیت تولید نفت و گاز ایران و نقشی است که در تأمین انرژی کشورهای منطقه و جهان بازی می‌کند. کاهش وابستگی جهانی به منابع ایران، علاوه بر کاهش ظرفیت سیاست خارجی، زمینه را برای هر گونه اقدام علیه ایران به لحاظ کاهش آثار منفی مانند کمبود عرضه نفت و افزایش قیمت در بازار جهانی فراهم می‌کرد. بیان رستم قاسمی وزیر نفت دولت دهم مبنی بر اینکه «دشمنان ایجاد وقفه در صادرات نفت، حضور نیافتن ایران در بازارهای جهانی و ایجاد مشکل در توسعه ذخایر و فروش نفت را دنبال می‌کنند (شبکه خبر، ۱۳۹۱/۱۱/۹)» تأییدی بر این موضوع است.

ایران با داشتن ۳۶۴/۶۸ میلیارد بشکه ذخایر هیدروکربوری، معادل ۹/۴۷ درصد از کل ذخایر جهان، رتبه نخست ذخایر گاز و رتبه سوم منابع نفت، ظرفیت بالای اکتشاف، تجربه صد ساله در تولید و تجارت نفت و گاز، برخورداری از ۴۹ هزار کیلومتر شبکه انتقال نفت و گاز، موقعیت راهبردی دریایی با هزار و ۸۰۰ کیلومتر ساحل، عبور مسیرهای حمل و نقل بین‌المللی با قرار داشتن در جنوب کشورهای آسیای میانه و قفقاز، شمال کشورهای خلیج فارس و غرب شبه قاره هند و ریسک اقتصادی پایین سرمایه‌گذاری، جایگاه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

بی‌بدیلی در صنعت نفت و گاز جهان دارد (مقدم، ۱۳۹۳: ۱). از نظر آژانس اطلاعات انرژی آمریکا، ایران به لحاظ ذخایر نفت، چهارمین به لحاظ منابع گاز دومین، جزو پنج کشور اول تولید کننده گاز و ۱۰ کشور اول تولیدکننده نفت دنیاست. نزدیکی این کشور به تنگه هرمز، به دلیل عبور ۲۰ درصد از نفت تولیدی جهان و انجام ۳۰ درصد حمل و نقل دریایی نفت و ۳۰ درصد از LNG دنیا از این تنگه از اهمیت ژئوپلیتیکی قابل توجهی برخوردار است. با وجود تمام این مزیت‌های جغرافیایی و انسانی، تحریم سرمایه‌گذاری، خرید نفت خام و کاهش صادرات ۵۰ درصدی، عملا باعث حذف موقعیت ژئوپلیتیکی ایران شده بود.

تحریم‌های جدید بر سرمایه‌گذاری از سال ۱۳۸۴ شروع و با تحریم‌های یک جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا از سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) علیه بیمه، کشتیرانی و ممنوعیت فروش نفت و انتقال طلا به اوج رسید (مزروعی، ۱۳۹۱: ۱). تحریم‌ها تا سال ۱۳۹۰، ظرفیت تولید و ساختار صنعت نفت و از آن سال، صادرات و درآمد حاصله از نفت را هدف قرار داده بود، از این رو، از (ژانویه ۲۰۱۱ تا مه ۲۰۱۴) روند واردات نفت چین، ژاپن، هند، ترکیه، کره جنوبی نسبت به سال ۲۰۱۰ تقریبا نصف شد. در عرض یک سال، صادرات نفت ایران از ۲/۸ میلیون بشکه در روز در جولای ۲۰۱۱، به زیر یک میلیون بشکه در جولای ۲۰۱۲ رسید.

کاهش صادرات نفت در ادامه به کمتر از هشتصد هزار بشکه در روز نیز رسید. تولید نفت از حدود ۴/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۱ به ۲/۷ بشکه در سال ۲۰۱۳ رسید. اروپا قبل از تحریم، بیش از ۵۰۰ هزار بشکه نفت از ایران وارد می‌کرد. ممنوعیت شرکت‌های اروپایی از بیمه محموله های نفتی ایران مانع از فروش نفت خام ایران به همه مشتریان شد (اقتصاد ایرانی، ۳۱ مرداد ۱۳۹۵). شدت تأثیر تحریم‌ها بر صنعت نفت و گاز به گونه‌ای بود که به گفته رستم قاسمی: «حتی در زمان جنگ نیز چنین شرایطی بر نفت حاکم نشده بود». کاهش صادرات و نبود مخازن راهبردی نگهداری باعث شد ایران بین ۲۰ تا ۶۰ میلیون بشکه نفت بر روی آب ذخیره کند که هزینه نگهداری برای هر نفت کش، بین ۶۰ تا ۱۱۰ هزار دلار در روز بود. در حوزه گاز نیز اوضاع بدتر از نفت بود. ایران با بیش از ۳۶ تریلیون مترمکعب ذخایر گاز طبیعی به دلیل پایین بودن ظرفیت تولید کمتر از یک درصد تجارت جهانی را دارد (ایران اکونومیست، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۵). دستیابی به جایگاه دوم جهانی در ظرفیت تولید گاز با توجه به ضرورت استفاده از مخازن مشترک از اهمیت راهبردی برخوردار بود. ایران با بهره برداری از فازهای ۱ تا ۱۰ پارس جنوبی در سال ۱۳۸۴، از نظر تولید مقام چهارم را پس از روسیه، آمریکا و کانادا به دست آورد، اما با شروع مناقشه هسته‌ای از سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) و ارجاع پرونده به شورای امنیت و شروع تحریم‌ها، شرکت‌های خارجی مشارکت در اجرای فازهای پارس جنوبی را رها کردند، اما مصرف سالانه و واردات گاز رو به افزایش بود. با این روند تا پایان سال ۲۰۰۸، تولید انباشتی کشور قطر از حوزه مشترک پارس جنوبی ۲ برابر تولید انباشتی ایران بود. قطر بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۸ حدود معادل ۵۷۰ میلیارد مترمکعب و ایران بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

معادل ۲۸۰ میلیارد مترمکعب برداشت کرده بود. در پایان سال ۲۰۱۱، تولید انباشتی قطر به ۴۱ تریلیارد فوت مکعب و تولید انباشتی ایران به ۲۱ تریلیارد مترمکعب رسید (سایت جوکار، ۱۰ دی ۱۳۹۱). درآمد سالانه هر فاز پارس جنوبی در صورت راه‌اندازی حدود ۳/۶۰۰ میلیارد دلار است. بر اساس برخی برآوردها، تأخیر در اجرای فازهای پارس جنوبی مانع از دستیابی به حدود ۲۰۰ میلیارد دلار درآمد شده است.

این زیان شامل عدم فروش میعانات نیز می‌شود. در ۶ ماهه اول سال ۱۳۹۲، چهار میلیارد و سیصد و چهل میلیون دلار صادرات میعانات انجام شده بود که نسبت به سال قبل ۲۲ درصد رشد داشت، اما تحریم شرکت‌های فعال در این زمینه، کاهش ۱۶۰ درصدی صادرات نسبت به ماه قبل را باعث شد (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۲/۷/۶). این امر شامل عدم صادرات گوگرد، انبارشدن آنها و افزایش شدت آلودگی محیط‌زیست نیز می‌شد، به گونه‌ای که ۱۲۰۰ تن گوگرد مربوط به فازهای پارس جنوبی به ارزش ۹۸۰ میلیون دلار به دلیل تحریم و مشکلات مدیریتی در سال ۱۳۹۲ در انبارها انباشته شده بود (اقتصاد فرهیختگان، دی ۱۳۹۲).

تنزل جایگاه ایران در اوپک

کاهش سرمایه گذاری و صادرات در دوره تحریم کاهش ظرفیت تولید را تشدید کرد. این در حالی بود که حفظ ظرفیت به عنوان دومین تولیدکننده نفت خام در اوپک بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مستلزم حفظ فاصله مناسب از نظر ایجاد ظرفیت تولید با سایر رقبا بود. افزایش نفوذ و جایگاه در سازمان‌های اقتصادی، یکی از ابزارهای مهم تحقق اهداف راهبردی اقتصادی در سیاست خارجی است. با این اوصاف، کاهش صادرات نفت و گاز ایران به صورت خودکار، حلقه دوم تأثیرگذاری ژئوپلیتیک را با کاهش جایگاه ایران در اوپک، مجمع کشورهای صادرکننده گاز و کاهش تأثیرگذاری ایران در سیاست گذاری این دو سازمان را تکمیل کرد، به طوری که همزمان با کاهش صادرات نفت ایران به مرز ۲ میلیون بشکه در آذرماه ۱۳۹۰، عراق با صادرات روزانه دو میلیون و ۱۳۵ هزار بشکه نفت به طور رسمی جایگاه دومی ایران را در اوپک تصاحب کرد. صادرات نفت عراق در سال ۲۰۱۵ از مرز ۲/۹ میلیون بشکه در روز گذاشت، عراق برای افزایش میزان تولید خود در سال ۲۰۱۶ از شرکت‌های بی پی، شل، اکسون موبیل، انی و لوک اویل برای مطالعه و سرمایه‌گذاری در ذخایر نفتی خود دعوت کرد. در ادامه این روند، صادرات نفت عراق در سال ۲۰۱۶ از مرز سه میلیون و ۴۶ هزار بشکه گذشت و تبدیل به رقیب جدی برای ایران در اوپک شد (شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی، ۶ فروردین ۱۳۹۵). در ادامه ایران به جایگاه سوم و چهارم او یک نیز سقوط کرد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

تضعیف تأسیسات و خطوط انتقال داخل

تحریم علاوه بر ایجاد محدودیت در مشارکت در خطوط لوله انتقال بین‌المللی، مانع توسعه زیرساخت‌های انتقال در داخل نیز بوده است. خطوط لوله، ۶۷ درصد انتقال فرآورده و خوراک پتروشیمی‌ها را در داخل بر عهده دارد، بر اساس برنامه پنجم توسعه باید شبکه انتقال گاز از ۳۳ هزار کیلومتر به ۴۴ هزار کیلومتر میرسید (نشریه مشعل، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۰)، اما خطوط انتقال سراسری به عنوان مثال خط لوله سراسری ششم با ۱/۳ میلیارد دلار ارزش با تأخیرهای طولانی روبرو بود (تابناک، ۱۳۹۲/۱۲/۶). به گفته مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران، بخش زیادی از پروژه‌های خطوط انتقال گاز اصلی کشور از پارس جنوبی به شبکه سراسری در سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ به دلیل ترسیدن بودجه تعطیل شد و بودجه آن به تأمین یارانه‌ها اختصاص یافت، در بودجه های سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳، به ترتیب باید ۸۳ و ۸۰ درصد بودجه‌های عمرانی و خطوط انتقال از طریق فاینانس تأمین می‌شد، اما با وجود تحریم‌ها، عملا تحقق نیافت (ایرنا، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۳)، خطوط انتقال نفت نیز بر اساس مصوبات برنامه پنجم توسعه، باید از ۱۴ هزار په ۱۷ هزار کیلومتر می رسید، اما به دلیل نبود تجهیزات و منابع مالی با تأخیر روبه رو بوده است (ایران اکونومیست، ۶ آبان ۱۳۹۴).

شرکت ملی گاز ایران دارای ۱۳ پالایشگاه، ۷۱ ایستگاه تقویت فشار گاز و بیش از ۳۵ هزار کیلومتر خط لوله است که در سال ۱۳۹۶ باید به ۱۹ پالایشگاه، ۹۰ ایستگاه تأسیسات تقویت فشار و ۴۴ هزار کیلومتر خط انتقال برسد که نیازمند ۳۴ میلیارد دلار منابع مالی است. در بخش پالایش گاز تا سال ۱۳۹۶ افزایش ۲۰۰ میلیون مترمکعبی نیازمند ۲۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است. همچنین، برای صنعت گاز در چشم‌انداز سال ۹۶ پیش‌بینی تولید ۱۱۵ میلیون مترمکعب گاز از بخش ذخیره‌سازی شده است. این پروژه نیز به ۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد (باشگاه خبرنگاران جوان). توسعه این زیرساخت‌ها در مجموع به ۶۲ میلیارد دلار اعتبار نیاز دارد که در شرایط تحریم با محدودیت جدی روبه رو بود.

سیاست خارجی توسعه گرای دولت روحانی و دیپلماسی انرژی

دولت توسعه گرا سیاست خارجی توسعه گرا را نیز ایجاب می‌کند. سیاست خارجی تعامل‌گرا که اولویت دیپلماسی ایران در سند چشم‌انداز بیست ساله است و شرط لازم برای توسعه یافتگی و ارتقای توان ملی کشور می‌باشد، نیازمند تعیین برخی اولویت‌ها در سیاست خارجی می‌باشد. نوعی سیاست خارجی برون‌گرا، کنش‌گر (فرصت‌طلب) یا کنش‌مند (فرصت‌ساز) که انفعالی و فرصت سوز نمی‌باشد. از سوی محققان، سیاست خارجی برون گرای تعاملی گزینه ای بهینه به عنوان ابزار دولت توسعه گرا پنداشته می‌شود (محسن زادگان و حسینی کرانی، ۱۳۹۰: ۷-۶). گفتمان روحانی ضمن رد سیاست تهاجمی دولت پیشین، بر اصولی چون؛ اجتناب از تنش‌آفرینی، عقلانیت، اعتماد سازی، ارائه تصویری مثبت از ایران، دیپلماسی فعالانه، تلاش برای بهبود روابط با کشورهای مختلف به ویژه کشورهای همسایه، مذاکرات با

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

اروپا در چارچوب احترام متقابل و فراهم کردن مسیر برای توسعه اقتصادی در چارچوب اسناد بالا دستی به ویژه چشم انداز توسعه ۲۰۲۸، متمرکز بود.

بعلاوه در راستای توسعه اقتصادی، حسن روحانی به منظور حل مشکلات اقتصادی ایران که عمدتا ناشی از تحریم‌های بین‌المللی علیه این کشور بود، بر لغو تحریم و مذاکرات بین‌المللی تاکید می‌نمود. او در رقابت‌های انتخاباتی خود بر حل مشکلات کشور به ویژه در در حوزه تحریم‌های بین‌المللی و در بعد داخلی هم بر حل مشکلات اقتصاد داخلی اصرار داشت. در همین راستا بود که بر تعامل ایران با کشورهای دیگر و حتی ادغام ایران با جامعه بین‌المللی، بر آنچه که او آن را «تعامل سازنده» نامید، تاکید می‌کرد. به عبارت دیگر، او از رویکرد جدید خود یعنی دیالوگ، آشتی و تعامل سازنده با جهان صحبت کرد. سیاست خارجی توسعه‌گرای دولت یازدهم بر محورهای همزیستی مسالمت‌آمیز، تنش زدائی، اعتماد سازی، و چند جانبه‌گرایی در سطح جهانی و منطقه‌ای استوار است. در واقع، فهم دولت یازدهم از سیاست خارجی توسعه گرا آن است که "رویکرد همکاری و رقابت" جایگزین "تقابل با همکاری بی‌قید و شرط" می‌باشد بازی با حاصل جمع مثبت که مورد تاکید نئولیبرال‌ها نیز می‌باشد جای بازی با حاصل جمع صفر را در روابط بین‌الملل خواهد گرفت. از نظر دولت یازدهم دیپلماسی انرژی مهمترین ابزار نفوذ ایران در منطقه و جهان محسوب می‌گردد. با تقویت مناسبات تجاری در حوزه نفت و گاز به ویژه با کشورهای عمده مصرف‌کننده انرژی، ایران می‌تواند به سطح مطلوبی از روابط متقابل با آنها برسد. دولت پیش نیاز صنعتی شدن و توسعه اقتصادی را ورود ایران به مدارهای همکاری و تعامل بیشتر با جهان خارج می‌داند و دیپلماسی انرژی را بهترین ابزار برای شکار فرصت‌ها و امکانات موجود در فضای پسابرجام در جهت رشد و توسعه اقتصاد داخلی فرض گرفته است.

بنابراین، در چارچوب سیاست خارجی توسعه گرا و دیپلماسی انرژی بود که معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به توفیق‌های حاصل شده در بخش صادرات نفت متاثر از فضای پسابرجام گفت: در سال ۱۳۹۵ میزان تولید و صادرات نفت ۲/۲ برابر افزایش یافت (مجله شعله، ۱۳۹۵: ۲). همچنین، وزیر نفت از افزایش صادرات نفت و میعانات ایران به روزانه ۲/۵ میلیون بشکه خبر داد که از این میزان ۴۰۰ هزار بشکه‌اش میعانات گازی بود. (روزنامه عصر ایرانیان، ۱۳۹۵) که مصداق بارز دیپلماسی انرژی در دولت یازدهم است. وزیر نفت پس از دیدار با میگل آریاس کانته، کمیسیونر انرژی اتحادیه اروپا امضای قرارداد فروش ۷۰۰ هزار بشکه نفت به کشورهای اروپایی را گزارش نمود (هوشی سادات، ۱۳۹۵: ۲)، یکی دیگر از مصادیق بارز دیپلماسی انرژی، صادرات نفت خام ایران به هند بود که در مارس ۲۰۱۶ (اسفند ۹۴ – فروردین ۹۵) با جهش ۲۹۰ هزار بشکه‌ای به ۵۰۵ هزار بشکه در روز رسید. کارنامه فروش نفت دولت یازدهم نشان میدهد که میزان درآمدهای نفتی به ماهانه ۱/۵ میلیارد دلار رسیده است. این رقم دو میلیارد دلار کمتر از میانگین درآمدهای نفتی سال‌های ۸۸ تا ۹۱ است. نباید فراموش کرد که دولت روحانی در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

شرایطی امور کشور را به دست گرفت که تولید نفت ایران به حداقل آن در سال‌های پس از انقلاب به استثنای زمان جنگ رسیده بود. اظهارات زنگنه در زمینه افزایش تولید نفت و دیپلماسی انرژی دولت یازدهم، نشان از عزم جدی دولت برای استفاده بهینه از فضای پسابرجام است رئیس جمهوری با تاکید بر اینکه موضوع ترانزیت و کریدور شمال- جنوب از موضوعات اساسی میان دو کشور روسیه و ایران و کشورهای منطقه است بر این باور است که اولین بخش این کریدور با افتتاح و اتصال راه آهن آستارا – آستارا و پایانه‌ای که در ایران احداث می‌شود، آغاز خواهد شد و گام دوم، اتصال راه آهن آستارا به رشت خواهد بود که دو کشور با مشارکت هم در این راستا سرمایه گذاری خواهند کرد. از دیگر اقدامات دولت روحانی در راستای دیپلماسی انرژی مذاکره با کشورهای چین، روسیه و جمهوری آذربایجان در راستای تحقق کریدور بین‌المللی ترانزیتی شمال - جنوب است.

افزایش تولید و صادرات در حوزه انرژی پس از برجام

اولین دستاورد مهمی که برجام برای صنعت نفت و گاز به دنبال داشت این بود که با تأثیر مثبت بر ارکان ژئوپلیتیک، بازی ژئوپلیتیکی را که در عرصه اقتصاد منطقه‌ای و جهانی در ارتباط با صنعت نفت و گاز و به ضرر جمهوری اسلامی ایران در جریان بود، متوقف و جهت آن را به نفع ایران تغییر داد. اگرچه این حرکت تدریجی و کند پیش می رود، اما برجام می‌تواند با مقاوم‌سازی اقتصاد، توازن قدرت سیاسی و اقتصادی در منطقه آسیای غربی را عوض کند، تحریم‌ها و فشار سیاسی از سال ۱۳۸۴ شروع شد و در طی نزدیک به یک دهه تا سال ۱۳۹۴ ظرفیت صنعت نفت و گاز را به شدت کاهش داد. برداشتن این موانع در مدت زمان اندک به صورت کامل با توجه به مشکلات ساختاری اقتصاد ایران امکان پذیر نیست. با وجود این، از نظر فعالان اقتصادی و کارشناسان سیاسی، فوری‌ترین و مهم‌ترین دستاورد برجام در صنعت نفت و گاز آشکار شد. ایران در دستیابی به بازارهای سنتی خود و حرکت برای رسیدن به جایگاه دومین تولید کننده نفت در اوپک، پیشرفت سریع و قابل توجهی داشت. دولت یازدهم در ابتدا با تمرکز فروش نفت در شرکت ملی نفت با هدف ایجاد شفافیت در درآمدهای نفتی و عدم تکرار پدیده‌ای مانند بابک زنجانی، افزایش صادرات را در دستور کار خود قرار داد.

برجام روند رو به جلو تحریم و کاهش ۲۰ درصدی صادرات نفت و کاهش آن به زیر ۸۰۰ هزار بشکه را متوقف کرد. باید توجه داشت که ایران، همزمان از نوامبر سال ۲۰۱۳، بیش از حد تعیین شده امکان صدور نفت را پیدا کرد. در فوریه ۲۰۱۴، ایران روزانه به چهار خریدار اصلی خود یعنی چین، هند، ژاپن و کره جنوبی بیش از یک میلیون و ۱۶۰ هزار بشکه نفت صادر کرده است. صادرات نفت ایران در ماه پیش از آن (ژانویه) به این چهار کشور در حدود ۹۹۶ هزار بشکه در روز بود. به این میزان باید نفت صادراتی به ترکیه را که ۱۵۰ هزار و ۸۲۴ بشکه در روز بود اضافه کرد. میزان خرید چهار کشور چین، ژاپن، هند و کره جنوبی در ماه فوریه ۲۰۱۴ در مقایسه با سال قبل در مجموع ۱۷ درصد افزایش داشت که بر خلاق ادامه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

روند گذشته بود (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی، ۲۷ مهر ۱۳۹۳). از سال ۲۰۱۴، صادرات نفت ایران به کشورهای غیر از اتحادیه اروپا بهبود یافته و پوشش بیمه تقویت شد. برخی از کشورهای آسیایی نیز تضمین مستقل برای کشتی های حامل نفت و میعانات گازی ایران صادر کردند (معظمی، ۱۳۹۵/۲/۱۱).

با اجرایی شدن برجام در سال ۱۳۹۴، تولید و صادرات نیز رشد قابل توجهی یافت. توتال نخستین شرکت اروپایی بود که خرید نفت از ایران را آغاز کرد. توافق خرید نفت از ایران در سفر رئیس جمهوری به فرانسه در بهمن ماه ۱۳۹۴ به میزان ۱۶۰ هزار بشکه منعقد شد، وزیر خارجه ایتالیا بعد از نماینده یونان سومین کشور اروپایی است که با وزیر نفت دیدار کرد. مدیر عامل انی پس از اجرای برجام، چند نوبت با مقام‌های ارشد نفت دیدار کرد و اوایل ۱۳۹۵ نیز برای حضور در میدان‌های نفتی و همکاری با ایران در بخش بالادستی به دیدار مهندس زنگنه، وزیر نفت آمد. به دنبال آن، انی و ساراس ایتالیا در فهرست مشتریان نفت ایران قرار گرفتند (شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی، ۹ تیر ۱۳۹۵). ایران روابط خود را با خریداران نفت اروپایی بهبود بخشید. تأمین پوشش‌های بیمه‌های معتبر از بیمه‌گران بین‌المللی، اخذ گواهینامه‌های لازم از مؤسسات رتبه بندی و اخذ تأییدیه از شرکت‌های بزرگ نفتی انجام شد (اخبار نفت، ۲۱ تیر ۱۳۹۵)، توافق فروش با شرکت های بزرگ «ویتول» و «گلنکر» «رپسول اسپانیا» به صورت بلندمدت امضا شده است. با این روند، صادرات نفت ایران به اروپا ۲۵ درصد رشد داشت و به ۶۰۰ هزار بشکه رسید و بخشی از درآمدها به یورو پرداخت شد، برداشتن تحریم ها امکان تأمین تجهیزات و دسترسی به خدمات در صنعت نفت و گاز مانند حفاری را از سوی شرکت‌های خارجی بهبود بخشید. این امر در بهبود کیفیت و ایمنی طرح‌های انرژی نفت به خصوص در پارس جنوبی مؤثر بود. با راه اندازی فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی، علاوه بر افزایش ظرفیت تولید گاز سرعت راه‌اندازی فازهای جدید افزایش یافت، به طوری که تا پایان سال ۱۳۹۵ فازهای جدیدی به بهره برداری رسید.

سرعت افزایش ظرفیت تولید در داخل به حدی بود که فایننشال تایمز نوشت: «در کمال تعجب بسیاری از تحلیلگران، ایران به تعهد خود مبنی بر افزایش تولید و صادرات نفت ۶ ماه بعد از لغو تحریم‌ها عمل کرده است». ایران در آوریل ۲۰۱۶ خرداد ۱۳۹۵ روزانه حدود ۳/۸۰۰ میلیون بشکه نفت در روز تولید کرد، این میزان سطح تولید نفت تا پیش از اعمال تحریم‌ها است (خبرگزاری فارس، ۵ تیر ۱۳۹۵). تولید میعانات گازی هم تا ۶۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت.

تلاش ایران برای احیای بازارهای سنتی موجب بروز جنگ با عربستان سعودی برای کسب سهم بیشتر از بازار شد. با افزایش تولید نفت ایران، بسیاری از مشتریان عربستان را رها کردند، ایران طرح فریز نفتی را نپذیرفت و عربستان در آخرین نشست اوپک با افزایش قیمت نفت همراهی کرد. ایران در نهایت ۸۰ درصد از بازارهای خود در وضعیت پیشا تحریم را به دست آورد (قمصری، مرداد ۱۳۹۵). تولید از میادین مشترک یادآوران و آزادگان شمالی و مناطق نفت خیز افزایش یافت. با تلاش‌های انجام شده تا پایان سال

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

جاری، تولید نفت به ۴ میلیون بشکه خواهد رسید. رسیدن به ظرفیت تولید روزانه ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت خام از جمله اهداف تعیین شده در برنامه ششم توسعه است. با جذب منابع مالی خارجی، صادرات نفت خام ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه، ظرفیت تولید گاز یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون متر مکعب در روز و میعانات گازی به ۹۵۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی، ۲۳ تیر ۱۳۹۵).

با فراهم شدن امکان پهلوگیری نفتکش‌های غول‌پیکر ۳۲۰ هزار تنی، صادرات میعانات گازی در خرداد ۱۳۹۵ با جهش ۴۸ درصدی روبه رو شد. در سه ماه نخست سال بیش از ۴۱ میلیون و ۷۲۷ هزار تن میعانات گازی از پایانه گاز عسلویه به بازارهای جهانی صادر شد. در این مدت، ۵۱ کشتی نفتکش اقدام به بارگیری میعانات گازی کردند که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، از نظر حجم ۱۸ درصد و از نظر تعداد کشتی ۱۹ درصد رشد داشته است. خردادماه سال جاری، بیش از ۱۶ میلیون و ۵۶۰ هزار بشکه میعانات گازی صادر شده است، این رقم در زمان مشابه سال گذشته ۱۱ میلیون و ۲۲۰ هزار بشکه بوده است (رحیمیان، ۷ مرداد ۱۳۹۵). با افزایش ظرفیت تولید و صادرات، جایگاه ایران از رتبه چهارم به رتبه سوم او یک ارتقا یافت.

افزایش صادرات گاز و ایجاد زمینه حضور در خطوط لوله بین‌المللی پس از برجام

در پسابرجام، ایران با پشت سر گذاشتن قطر، رتبه سومین تولید کننده گاز جهان را کسب کرد. با تسهیل در راه اندازی فازهای ۱۵ و ۱۶ جدید پارس جنوبی و افزایش ظرفیت تولید گاز به بیش از ۷۰۰ میلیون متر مکعب در روز و همچنین افزایش احتمال راه‌اندازی فازهای جدیدتر، صادرات گاز ایران به ترتیب با ارسال و دریافت ۲/۵ و ۱/۹ میلیارد مترمکعب گاز در چهار ماه اول ۱۳۹۵ منبت شده است. در حال حاضر، میزان تولید از پارس جنوبی ۵۰ درصد نسبت به سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است (نفتون نیوز، ۵ تیر ۱۳۹۵)، علاوه بر امکان تزریق گاز به چاه های نفت برای افزایش بازیافت و میزان تولید نفت، مذاکرات برای صادرات گاز به همسایگان جان تازه‌ای گرفت. در برنامه ششم توسعه، ۶۸ تا ۸۰ میلیارد مترمکعب گاز تولیدی کشور به بخش صادرات و ۵۰ تا ۶۰ میلیارد مترمکعب از این مقدار به همسایگان اختصاص می‌یابد، هم اکنون، از ۱۵ کشور همسایه ایران، ۱۰ کشور ظرفیت دریافت گاز دارند. ارسال گاز به کشورهای هند و چین در دستور کار است. ایران در مذاکرات خط لوله صلح برای انتقال گاز به پاکستان از موضع قدرت وارد شد و به صراحت اعلام کرد هزینه بیشتری در این پروژه متقبل نمی‌شود. قرارداد انتقال گاز به عراق و در آینده به اروپا امضا شده و هم اکنون زیرساخت‌های لازم برای عملیاتی شدن آن در دست انجام است.

قرارداد صادرات گاز به منطقه بغداد سال ۲۰۱۳ امضا و سال ۲۰۱۶ الحاقیه‌ای در زمینه افزایش حجم و مدت به آن اضافه شد. بر اساس این قرارداد، صادرات گاز از هفت میلیون مترمکعب در روز آغاز و پس از ۲۱

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

ماه به سقف قرارداد خواهد رسید. قرارداد صادرات گاز به منطقه بصره نیز در سال ۲۰۱۵ امضا شد. با این قرارداد سالانه ۵۰ میلیارد مترمکعب گاز صادرات خواهد شد. در حال حاضر قرارداد سوآپ گاز با آذربایجان نیز در حال اجراست. گاز در منطقه آستارا دریافت و در منطقه نخجوان تحویل داده می‌شود، مذاکره با امارات، عمان و کویت نیز در حال انجام است. کشورهای عضو خط لوله نابوکو از ایران برای عضویت در خط لوله دعوت کرده‌اند. جمهوری آذربایجان چند روز بعد از انتشار بیانیه هسته‌ای لوزان برای حضور ایران در خط لوله گاز ترانس آناتولی و ترانزیت گازهای ترش پارس جنوبی به اروپا اعلام آمادگی کرد. نخست وزیر بلغارستان نیز به طور مستقیم و غیر مستقیم ایران را برای حضور در این خط لوله صادرات گاز دعوت کرده است. ایران اولویت صادرات گاز را کشورهای همسایه اعلام کرده، اما به طور رسمی و غیررسمی مذاکرات گازی با سوئیس، آذربایجان، ترکیه و اخیرا بلغارستان را آغاز کرد (ایران اکونومیست، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۴).

ایران و ارمنستان در سال ۱۳۸۳، قرارداد تهاتر گاز و برق ۲۰ ساله امضا کرده بودند. ارمنستان به تازگی درخواست افزایش خرید گاز را به دلیل ایجاد مشکل در دریافت گاز از روسیه مطرح کرده است. ایران مقدار تحویل گاز را از یک میلیون متر مکعب به سه میلیون و ۵۰۰ میلیون مترمکعب افزایش داده است. ارمنستان مصرف‌کننده بزرگی نیست، اما می‌تواند مسیر مهمی برای صادرات گاز ایران باز کند. در دیدار وزیر انرژی ارمنستان با وزیر نفت ایران، ترانزیت گاز ایران از طریق ارمنستان مورد بحث قرار گرفته است. ارمنستان در پی درخواست ایران برای ترانزیت گاز به گرجستان پیشنهاد تشکیل یک سازمان جدید را مطرح کرده است، یک قرارداد کوچک نیز با یک خریدار گرجستانی نیز امضا شده است، این قرارداد امسال با عبور گاز ایران از خاک ارمنستان فعال خواهد شد. ایران در ازای یک متر مکعب گاز، سه کیلو وات ساعت برق از ارمنستان در مرز تحویل می‌گرفت که این میزان هم اکنون به ۳/۲ کیلو وات ساعت برق افزایش یافته است. علاوه بر وجود ۲ خط کنونی انتقال برق برای اجرای پروژه احداث خط سوم انتقال برق دومداره ۴۰۰ کیلو ولتی از ارمنستان به ایران، یک قرارداد جدید امضا شده است (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی، ۵ مرداد ۱۳۹۴).

سوآپ نفت از آسیای مرکزی پس از برجام

در کنار خطوط انتقال نفت و گاز، موضوع سوآپ نفت از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز مانند آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و حتی روسیه، از دیگر مزیت های مهم جغرافیایی ایران در عرصه نفت و گاز است، سوآپ در لغت به معنای معامله پایاپای، معاوضه، عوض کردن، مبادله کردن، بیرون کردن، جایگزین کردن، جانشین کردن و در اصطلاح به این معنی است که کالا از یک نقطه تحویل گرفته شده و دقیقا همان میزان کالا در نقطه‌ای دیگر تحویل داده شود (گله کلائی، جهانگیری حسین آبادی، ۱۳۹۳: ۳)، در دهه ۱۹۹۰ پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی، مبادله نفت با ایران اهمیت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

پیدا کرد، این کشورها در حالی که در خشکی محصورند، برای توسعه اقتصادی، نیازمند صادرات نفت خود هستند.

در سال ۱۳۷۵، قراردادی بین ایران و قزاقستان به امضا رسید که بر اساس آن روزانه ۴۰ هزار بشکه نفت خام سبک از قزاقستان تحویل پالایشگاه تبریز و تهران می‌شد و در عوض به همین مقدار نفت خام سبک ایران در خلیج فارس تحویل شرکای تجاری قزاقستان می شد (اطلاعات بین المللی، ۲۱ مرداد ۱۳۷۵: ۱۰)، بعدها ظرفیت سوآپ نفت تا ۲۵۰ هزار بشکه نیز افزایش یافت؛ اما در سال ۱۳۹۰ به دلیل جابه جایی مدیران و شدت گرفتن تحریم‌ها متوقف شد. فشار سیاسی ایالات متحده آمریکا برای منزوی کردن ایرانی کاهش ارتباطات اقتصادی با همسایگان و ترغیب آنان به استفاده از مسیرهای باکو - نورسیک، باکو - سوپسا، باکو - جیحان و تنگیز - نورسیک، به رغم سودآور بودن مسیر ایران و توجیه اقتصادی آن و فقدان صرفه اقتصادی مسیرهای چهارگانه فوق به نسبت مسیر ایران و همچنین نبود زیرساخت‌های ضروری به دلیل تحریم، نقش عمده‌ای در توقف سوآپ نفت داشت (پدیدار، ۱۳۹۵/۵/۴). این روند منجر به زیان ۴۵۰ میلیارد تومانی در سال شد.

بلافاصله بعد از برجام، موضوع برقراری مجدد جریان سواپ از سوی وزارت نفت مطرح شده است. شرکت ملی نفت ایران، شرکت نیکو را که در دولت دهم واسطه ایران و کشورهای ساحلی حوزه دریای خزر موظف کرد تا از سرگیری سوآپ را در کوتاهترین زمان فراهم کند. در غیبت ایران، کشورهایی که در گذشته مشتری ایران بودند به سمت ترکیه و خط لوله باکو- جیهان متمایل شدند. مهمترین رقیب ایران در این بازار، آذربایجان است که با مشتریان قدیمی ایران قراردادهای بلندمدت منعقد کرده و نفت را از طریق خط لوله به دریای سیاه می‌رساند، ایران سعی دارد این کشور را نیز متقاعد به قبول قرارداد سوآپ نفت‌خام کند (ایران، ۱۳۹۵/۱/۷). مذاکرات مقدماتی با کشورهای ترکمنستان، آذربایجان، روسیه و قزاقستان صورت گرفته است. ایران سواپ گاز را با آذربایجان انجام داده و در عین حال، به فکر زمینه‌های جدیدتر مانند کاشکان قزاقستان نیز هست. قزاقستان به دنبال آن است که با افزایش تولید نفت در بین ده تولیدکننده بزرگ نفت دنیا قرار گیرد و برای این کار روی کاشکان تکیه کرده است (خبرگزاری ایسنا، ۱۱ خرداد ۱۳۹۵). بنابراین، اگرچه روسیه اولین پیشنهاد را برای سوآپ نفت به ایران داده، اما قزاقستان هم می‌تواند مشتری خوبی برای سوآپ ایران باشد. سوآپ فرآورده برنامه دیگر ایران است. تا یک ماه آینده، عملیات سوآپ آغاز خواهد شد، مقدمات پهلوگیری کشتی‌های حامل نفت کشورهای حاشیه خزر فراهم شده و سه اسکله برای دریافت نفت وجود دارد که در طرح جامع به ۱۷ اسکله افزایش خواهد یافت. با این کار ظرفیت سوآپ از ۱۲۰ هزار به ۱/۵ میلیون بشکه افزایش می‌یابد. اکنون ظرفیت سوآپ روزانه ۱۲۰ هزار بشکه نفت است (ایران، ۲۵ مرداد ۱۳۹۵).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

طرح بانکرینگ بعد از برجام

تحریم‌ها همچنین نقش عمده‌ای در توقف روند راهبردی تبدیل مناطق و سواحل جنوبی جمهوری اسلامی ایران به مرکز سوخت‌گیری منطقه‌ای (هاب بانکرینگ) داشت. در سال ۱۳۹۱، فجیره با سهم ۶۵ درصدی از نظر سوخت‌رسانی به شناورها در خلیج فارس در جایگاه نخست و در دنیا در رتبه دوم قرار داشت، ایران با داشتن ۲۰ درصد رتبه دوم منطقه را داشت. سهم کشورهای کویت، عربستان و عمان نیز از بازار سوخت رسانی به شناورها ۱۵ درصد بود. سالانه ۲۵ هزار فروند کشتی از خلیج فارس عبور می‌کنند که به حدود ۲۰ میلیون تن سوخت نیاز دارند. از این تعداد شناور، حدود سه تا چهار هزار فروند سوخت مورد نیاز خود را از ایران تأمین می‌کردند. بر اساس طرح جامع ۱۵ ساله که از سال ۱۳۸۴ در خلیج فارس شروع شد بود، سواحل ایران به منطقه ویژه سوخت‌رسانی به شناورها تبدیل می‌شد (دنیای اقتصاد، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۱).

سوخت کشتی در ایران از لحاظ کیفیت جزء بهترین سوخت‌ها در دنیاست. کشورهای همسایه بخش زیادی از سوخت شناورها را از ایران تأمین و یا فرآوری آن به شناورها عرضه می‌کنند. در این چارچوب، ارائه کلیه امکانات و خدمات به شناورهای عبوری از منطقه نیز دنبال می‌شد. با این کار، بندر شهید رجایی می‌توانست به عنوان یکی از بنادر بنام جهان و ایران سهم خود را از سوخت رسانی به شناورها در پایان فاز دوم این طرح به ۳۰ درصد و در پایان طرح به ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش دهد. فاز اول در سال ۱۳۹۰ به بهره‌برداری رسید. فاز دوم می‌بایست در سال ۱۳۹۵ و فاز سوم در سال ۱۴۰۰ به اتمام می‌رسید. با تحقق سهم ۳۰ درصدی، ایران در پایان فاز دوم در ردیف ۱۰ کشور بزرگ فعال در صنعت بانکرینگ قرار می‌گرفت؛ اما در نهایت این طرح نیز با تشدید تحریم‌ها و به دلایل مالی متوقف شد (سازمان بنادر و دریانوردی، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۲)، در دوران تحریم، کشتی‌ها و نفتکش‌ها مجاز به تجارت دریایی با ایران نبودند و در نتیجه نمی توانستند از ایران سوخت و سایر خدمات بانکرینگ را دریافت کنند. پس از برجام، دستورالعمل طرح جامع خدمات سوخت‌رسانی به کشتی‌ها (بانکرینگ) و خدمات جانبی در خلیج فارس و دریای عمان از سوی وزارت نفت اعلام شد. وزارت نفت معتقد است ایران پس از برجام با بهبود شرایط خواهد توانست جای امارات را در بانکرینگ به خود اختصاص دهد (ایرنا، ۲ تیر ۱۳۹۵).

افزایش رقابت‌پذیری و بهبود زمینه برای جذب سرمایه خارجی در پسابرجام

برجام شرایط بهتری را برای سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه نفت و گاز فراهم کرده است. از منظر فعالان و دست‌اندرکاران صنعت نفت و گاز، برجام به افزایش رقابت‌پذیری صنعت نفت در برابر سایر کشورهای نفتی، به خصوص در منطقه خلیج فارس کمک کرده است. پیش از برجام، بر اساس منطقی غیرقابل دفاع، ایران جزو کشورهای تحریم شده و نقض‌کننده قوانین بین‌المللی و خطری برای صلح جهانی محسوب می‌شد، از این رو، هیچ یک از نهادهای معتبر اقتصادی و مالی جهان حاضر به همکاری با کشورمان نبودند

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

(شبکه اطلاع‌رسانی نفت و گاز ۱۱ مرداد ۱۳۹۵). در این شرایط، نه تنها جذب سرمایه خارجی بی‌معنی بود، بلکه حتی عملیات معمول اقتصادی مانند انتقال پول و فروش محصول نیز با محدودیت‌های بسیار جدی روبرو بوده تحریم‌ها باعث شده بود بخش قابل توجهی از سرمایه‌ها به سوی کشورهای رقیب ایران در منطقه روانه شود و سود اصلی از تحریم‌ها به جیب رقبای نفتی ایران برود، با اجرای برجام و افزایش رتبه اعتباری از طرف مؤسسات اعتبارسنجی، دسترسی وسیع‌تر به پیمانکاران معتبر خارجی و در نتیجه کاهش هزینه‌های انجام طرح‌ها و همزمان بهرمندی از فناوری‌های نوین به دلیل افزایش رقابت میان پیمانکاران امکان پذیر شده است (خبرنگاران جوان ۲۷ آبان ۱۳۹۴)، شرکت‌هایی مانند لینده، زیمنس و باسف در ایران حضور یافتند. تجهیزات بلوکه شده میادین پارس جنوبی از سوی زیمنس مانند انواع کمپرسورها، الکترو کمپرسورها، توربین مبدل‌های حرارتی آزاد و توسعه این میدان مشترک جان تازه‌ای گرفت. شرکت ملی نفت ایران، مذاکرات خود را با پیش از ۲۳ شرکت معتبر نفتی به منظور انعقاد تفاهم نامه شروع کرده که در نتیجه این مذاکرات، تا به حال ۱۱ تفاهم نامه به شرح ذیل به امضا رسیده است:

۱- یادداشت تفاهم بلندمدت با کره جنوبی برای همکاری بلندمدت در زمینه نفت و گاز .

۲- یادداشت تفاهم همکاری بلندمدت وزارت نفت و اداره ملی انرژی چین.

۳- یادداشت تفاهم شرکت ملی نفت ایران، شرکت زیمنس و شرکت توربین‌های بخار نفتی OTC برای نوسازی تجهیزات و تأسیسات عملیات نفتی و پالایشگاه‌های نفتی.

۴- یادداشت تفاهم شرکت ملی نفت و زیمنس برای توسعه کمپرسورها و افزایش ظرفیت تولید شبکه‌های کنونی.

۵- یادداشت تفاهم شرکت ملی نفت ایران و شرکت زارویژنفت روسیه برای مطالعه در میدان نفتی، شرکت روسی با مطالعه ۲ میدان پایدار غرب و آبان، پیشنهادهای خود را برای افزایش ضریب بازیافت نفت در این میدان ها ارائه می‌کند. دو طرف بر توسعه روابط در حوزه‌های مختلف از جمله سواپ و خرید و فروش نفت و فرآورده‌های نفتی نیز تأکید کردند (عصر نفت، ۲۳ تیر ۱۳۹۵) و ایران برای تأمین نفت خام مورد نیاز بالایشگاه شرکت زارویژنفت روسیه در بوسنی و هرزگوین اعلام آمادگی کرد.

۶- یادداشت تفاهم شرکت ملی نفت ایران با شرکت ویترسهال که زیرشاخه شرکت آلمانی باسف است.

۷- یادداشت تفاهم پژوهشگاه صنعت نفت شرکت با آکرسولوشن نروژ برای نوسازی صنعت نفت ایران.

۸- یادداشت تفاهم شرکت ملی نفت ایران با اوام وی اتریش برای بررسی درباره پروژه‌هایی در منطقه زاگرس در غرب و میدان فارس.

۹- یادداشت تفاهم شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی با شرکت جی جی سی (JGC) ژاپن برای امکان‌سنجی کاهش هدررفت نفت در پالایشگاه نفت تهران.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

۱۰- یادداشت تفاهم شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران با میتسوبی ژاپن، سرکویه اسپانیا و توتال فرانسه (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی؛ ۲۹ تیر ۱۳۹۵).

تقویت زنجیره تولید و حوزه پتروشیمی پس از برجام

برجام شرایط بهتری را نیز برای حوزه پایین دست صنعت نفت و گاز فراهم کرده است. فعالان این صنعت معتقدند پتروشیمی بیشترین استفاده را از برجام برده است. از نظر آنها، تأثیرات برجام بر صنعت پتروشیمی از چند زاویه قابل ارزیابی است:

ـ توقف تولید بنزین و حرکت تکمیل زنجیره تولید

ـ افزایش تولید و صادرات محصولات پتروشیمی

ـ حذف موانع حمل ونقل، انتقال پول و بیمه صادراتی

ـ دسترسی به سرمایه، تکنولوژی، دانش فنی، تجهیزات و بازار

در واقع، با نهایی شدن فرمول خوراک واحدهای پتروشیمی پس از برجام، با وجود کاهش ۶۰ درصدی قیمت نفت، تولیدات و صادرات محصولات پتروشیمی افزایش یافته است. در سه ماهه اول ۱۳۹۵، با وجود کاهش ۲۰ دلاری متوسط قیمت نفت به نسبت سال گذشته و کاهش ۲/۷ درصدی ارزش میانگین کالاهای صادراتی، صادرات محصولات پتروشیمی ۳/۵ میلیارد دلار افزایش یافته است. افزایش تولید و صادرات محصولات پتروشیمی، مرهون اتمام فازهای پارس جنوبی و اضافه تولید ۲۰۰ میلیون مترمکعبی گاز است که باعث شده کمبود خوراک واحدهای پتروشیمی تأمین و در زمستان نیز با قطع گاز مواجه نشوند، پتروشیمی که شدیدا از تحریم‌های حمل ونقل، کشتیرانی، نقل و انتقال پول و دسترسی به بازارهای هدف رنج می‌برد، بعد از برجام با گشایش مواجه شد و هزینه‌های حمل ونقل به شدت کاهش یافت. به طور مثال، هزینه حمل هر تن گاز مایع به چین در حدود ۶۰ دلار بود که اکنون به حدود ۳۰ دلار رسیده است. کاهش هزینه حمل‌ونقل در سایر محصولات از قبیل متانول و نفتا نیز قابل توجه است. در زمان تحریم، آزادسازی وجه از بانک کونلون چین گهگاه تا ۹ درصد هزینه در برداشت، اما اکنون به حدود یک درصد کاهش یافته است. با توجه به علاقمندی شرکت‌های خارجی برای مشارکت و همکاری با صنایع پتروشیمی ایران شرکت ملی صنایع پتروشیمی ۴۸ پروژه جدید تعریف کرده که به ۳۲ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد (حسینی، ۲۷ تیر ۱۳۹۵).

درآمدهای نفتی ناشی از صادرات نفت و انرژی بعد از برجام

یکی از عمده‌ترین دلایل ساختاری تحریم نفتی ایران، نقش بی‌بدیل صنعت نفت و گاز در رشد اقتصادی بود. ضمن اینکه در کوتاه مدت امکان جایگزینی برای درآمدهای نفتی در تأمین بودجه و اعتبارات جاری و عمرانی کشور وجود نداشت. بر اساس آمارهای اوپک، در سال ۱۳۹۰ هر بشکه نفت ایران ۱۱۰ دلار و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

در سال ۱۳۹۱، ۱۰۷ دلار معامله می‌شد. میزان درآمد نفتی کشور در این زمان به ترتیب ۱۱۳ و ۵۰ میلیارد دلار بود، کاهش ۵۶ درصدی درآمد نفتی در سال ۱۳۹۱ نشان از تأثیر تحریم‌ها در این زمینه بود (دنیای اقتصاد، ۴ بهمن ۱۳۹۰). طبق اعلام بانک مرکزی، میزان درآمد ناشی از صادرات نفت کشور در سال ۱۳۸۸ معادل ۶۹ میلیارد و ۹۵۷ میلیون دلار، سال ۱۳۸۹ معادل ۹۰ میلیارد و ۱۹۱ میلیون دلار، سال ۱۳۹۰ معادل ۱۱۸ میلیارد و ۲۳۲ میلیون دلار و سال ۱۳۹۱ معادل ۶۸ میلیارد و ۱۳۵ میلیون دلار بوده است (عیار آنلاین، ۷ آذر ۱۳۹۲)، میزان درآمد حاصل از صادرات نفت خام و میعانات در سال ۱۳۹۲، ۴۱ میلیارد و ۶۱۰ میلیون دلار بود، ارزش صادرات نفت خام کشور به تنهایی در سال ۱۳۹۲ به ۳۴ میلیارد و ۵۲۰ میلیون دلار رسید. متوسط صادرات نفت‌خام در این سال حدود ۹۰۹ هزار بشکه در روز بود. درآمدهای نفتی پیش‌بینی شده برای سال ۱۳۹۳ معادل ۵۱ میلیارد دلار بود که بنا به گزارش سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، از این میزان تنها ۳۰ میلیارد دلار آن یعنی ۹۶ هزار میلیارد تومان محقق شد که نشان از اختلاف ۲۱ میلیارد دلاری میان درآمد پیش‌بینی شده و محقق شده دولت از محل فروش نفت در سال ۱۳۹۳ دارد (خبر آنلاین ۹ خرداد ۱۳۹۴). قیمت و درآمد حاصل از نفت خام در سال ۱۳۹۴ به مراتب پایین‌تر بود (زمانی، ۱۳۹۴: ۱) این شرایط، مشکلات ساختاری اقتصاد ایران را مانند کاهش رشد بخش‌های مختلف، کسری بودجه، افزایش شدید نرخ ارز و افزایش تورم، به دنبال آورد.

جدول درآمد و قیمت نفت در سال ۱۳۹٤

قیمت هر بشکه نفت ایران	درآمد احتمالی نفت ایران در سال ۹۴
۴۰ دلار	۱۴ تا ۱۵ میلیارد دلار
۵۰ دلار	۱۸.۲ تا ۱۸.۵ میلیارد دلار
۶۰ دلار	۲۱ تا ۲۲ میلیارد دلار
۷۰ دلار	۲۵.۵ تا ۲۶ میلیارد دلار

با توجه به نقش تعیین‌کننده نفت و گاز در اقتصاد کشور، رشد اقتصادی از ۵/۸ در سال ۱۳۸۹ به ۳ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۵/۸- در سال ۱۳۹۱ رسید. رشد صنعت نفت در این سال ۳ درصد منفی بود. این امر شرایط رکود تورمی را در کشور عمیق‌تر کرد. رشد منفی در سال ۱۳۹۲ نیز ادامه داشت (بانک مرکزی، ۱۳۹۲: ۱-۱۰)، بعد از برجام، با افزایش صادرات و با وجود کاهش ۶۰ درصدی قیمت نفت و عدم دسترسی به نظام مالی آمریکا، امکان دریافت بخشی از بهای نفت صادراتی به یورو فراهم آمد. شرکت‌های اروپایی خریدار نفت ایران از طریق سه بانک اروپایی پول نفت خود را به یورو پرداخت می‌کنند و شرکت‌های آسیایی نیز طبق روال گذشته بدهی خود را می‌پردازند (اقتصاد آنلاین، ۴ خرداد ۱۳۹۵). بخشی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

از پول‌های بلوکه شده نیز در اختیار بانک مرکزی قرار گرفت. بر این اساس، در سه مرحله ۱۱/۹ میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه شده آزاد شد. بنا بر توافق اول ژنو ۴/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ و در قالب هشت قسط، در مرحله دوم نیز ۲/۸ میلیارد دلار و در ۶ قسط در سال ۲۰۱۵ و همچنین ۴/۹ میلیارد دلار دیگر در یک دوره ۶ ماهه آزاد شد. بر اساس آخرین آمار بانک مرکزی، دو قسط ۷۰۰ میلیون دلاری دیگر هم در اختیار این بانک قرار گرفته است؛ به طوری که مجموع دریافتی به ۱۳/۳ میلیارد دلار رسیده است (پایگاه خبری قانون، ۱۳۹۵/۱/۲۳). علاوه بر این، پرداخت طلب معوق ۲ میلیارد دلاری ایران از شرکت‌هایی مانند شل و یا توافق برای پرداخت تدریجی بدهی ۵ میلیارد دلاری هند انجام شده است.

به طور کلی باید گفت که دیپلماسی انرژی یک الگوی قوی و برنامه کارآمد است که بازارهای مهم انرژی در جهان را شناسایی کرده و به دولت‌ها قدرت تصمیم گیری بیشتری برای کسب قدرت در مواجهه با دیگر کشورها می‌دهد. از آن جایی که کشورها در نظام بین‌الملل به دنبال تامین منافع ملی خود هستند و با توجه به اینکه انرژی سهم قابل ملاحظه‌ای در محاسبه قدرت ملی کشورها را به خود اختصاص می دهد. ضعف در تامین امنیت انرژی، کشورها را با مشکلات عدیده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مواجه می‌کند. با توجه به اینکه دولت یازدهم با انجام توافق هسته‌ای، راهبرد نوینی را در عرصه سیاست خارجی در پیش گرفته است و به عنوان کشوری تاثیرگذار در منطقه خاورمیانه که سرشار از منابع غنی انرژی است می‌تواند برای ارتقای امنیت ملی خود از ابزارهایی همچون دیپلماسی انرژی بهره‌گیری کند تا از این طریق بتواند سهم خود در بازارهای انرژی را افزایش دهد و از طریق اجماع‌سازی منطقه‌ای در حوزه انرژی، امنیت ملی خود را نیز ارتقا دهد.

نتیجه‌گیری

صنایع نفت و گاز به دلیل جایگاه ژئوپلیتیکی و پیوند ساختاری که میان اقتصاد ملی و بین‌المللی ایجاد می‌کند، حائز اهمیت راهبردی است. تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف خنثی‌سازی موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور در زمینه نفت‌وگاز و تشدید مشکلات ساختار اقتصاد ملی و کاهش رقابت‌پذیری صنعت نفت و گاز طراحی شده بودند، تحریم ها با کاهش ظرفیت تولید نفت و گاز، کاهش صادرات، افزایش هزینه نگهداری نفت خام بر روی آب، محرومیت از مشارکت در خطوط انتقال انرژی، توقف سواپ و بانکرینگ سوخت، تنزل جایگاه ایران در سازمان اوپک، تأخیر در ایجاد ذخایر راهبردی نفت و گاز برای افزایش اثرگذاری بر تعیین قیمت نفت در سطح جهانی باعث بروز مشکلات و موانع ساختاری اقتصاد ملی و صنعت نفت و گاز مانند وابستگی به درآمد نفت، رکود تورمی، کاهش سرمایه‌گذاری، عدم تأمین مالی و تأخیر در بهره‌برداری از ذخایر نفت و گاز، عدم توسعه مخازن مشترک، تأخیر در توسعه خطوط و تأسیسات انتقال و پالایش داخلی، ناپایداری در سطح شبکه، افزایش مصرف

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

سوخت مایع در نیروگاه‌ها و افزایش میزان آلودگی محیط‌زیست، قطع شدن زنجیره تولید فرآورده و افزایش هزینه و مشکلات صنعت پتروشیمی شد، برنامه جامع اقدام مشترک باعث شد بازی ژئوپلیتیک غرب و آمریکا علیه ایران در عرصه نفت و گاز متوقف شده و مسیر آن به نفع ایران تغییر کند. سوال اصلی پژوهش حاضر این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مورد صادرات نفت و انرژی در دوره پسا برجام چگونه بوده است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شده است که با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به عواید ناشی از فروش انرژی‌های فسیلی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر صادرات حداکثری نفت و انرژی در دوره پسا برجام بوده است.

شکل‌گیری برجام باعث شد تا از طریق افزایش صادرات و دسترسی به بازارهای سنتی، افزایش تدریجی تولید نفت و گاز، تأمین گاز مورد نیاز صنایع به خصوص پتروشیمی و نیروگاه‌ها و افزایش ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی و ظرفیت تولید برق، کاهش هزینه نقل و انتقال کالا و پول، دسترسی آسان‌تر به فنآوری، استقبال همسایگان و اعضای خطوط مهم انتقال گاز از حضور ایران در هندسه خطوط انتقال گاز جهانی با توجه به افزایش ظرفیت تولید گاز، تلاش برای از سرگیری سواپ نفت، حضور و نفوذ ایران در بازارهای داخلی و خارجی و در نتیجه رقابت‌پذیری صنعت نفت و گاز کشور میسر شد، برجام در عین حال به تقویت روند پیشرفت و خودکفایی در ساخت تجهیزات نفت و گاز با تعامل و مشارکت هدفمند با بازارهای جهانی کمک خواهد کرد.

نکته‌ی حائز اهمیت، تاثیرات این موقعیت بر امنیت ملی ایران است. امنیت ملی که امروزه با اقتصاد گره خورده و سرچشمه و منبع تهدید آن بیشتر در خارج از مرزها دیده می‌شود، در ایران با اقتصاد تک محصولی و رانتیر متکی به فروش منابع نفت و گاز، بیشتر تحت تاثیر سیاست‌های کالن انرژی جهان قرار دارد. آنچه موجب نگرانی نظام فعلی ایران قرار گرفته، مربوط به شکل‌گیری وابستگی متقابل بین کشورهای تولیدکننده با کشورهای مصرف‌کننده و مسیر انتقال انرژی است که می‌تواند این امکان را به کشورهای قدرتمند بدهد تا به بهترین وجه از ژئوپلیتیک انرژی به وجود آمده که ایران را درمرکز آن قرار می‌دهد، امنیت ملی دلخواه آن را مورد تهدید قرار دهند. قرار گرفتن ایران در این موقعیت ژئوپلیتیک، این کشور را خواسته یا ناخواسته در متن تحولات جهانی با دو موضوع تاثیرگذار بر امنیت ملی مواجه میسازد. یکی، حفظ و بهره‌گیری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک انرژی در راستای امنیت ملی خود که مستلزم سیاستی پیچیده و تاکید بر مولفه‌ی اقتصاد است. از این منظر، ایران در صورت به کارگیری از توان بالقوه تولید و با در نظر گرفتن مرکزیت استراتژیک انرژی نفت و گاز جهان، با همکاری‌های بیشتر اقتصادی با سازمان‌های منطقه ای، فرامنطقه‌ای و جهانی به امنیت ملی دلخواه خواهد رسید. دیگری، تاثیر منفی نقش ژئوپلیتیک انرژی بر امنیت ملی ایران است. در این رابطه اقتصاد رانتیر ایران به دلیل وابستگی آن به درآمدهای نفت و گاز همواره در صورت هرگونه تعارض با سیاست‌های جهانی، با تهدید مواجه می‌شود. و از آنجا که در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

بحث امنیت ملی و در بعد داخلی کاهش بودجه سالانه، زندگی روزمره‌ی مردم ایران را تحت فشار قرار می‌دهد لذا از آن به عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی نام برده می‌شود. همچنین در بُعد خارجی به دلیل وابستگی متقابل، هرگونه عدم خرید، سرمایه‌گذاری و انتقال نفت و گاز ایران از سوی کشورهای متعارض و مخالف با نظام فعلی ایران موجب کم ارزش شدن موقعیت استراتژیک و کاهش وزن ژئوپلیتیکی ایران در سطح منطقه و جهان خواهد شد. با توجه به این مباحث اهمیت این موضوع نشان می‌دهد که امنیت ملی ایران از عامل اقتصاد تک محصولی و الگوی روابط خارجی و مناسبات آن با سایر بازیگران بین‌المللی از متغیر خارج مرز یعنی ژئوپلیتیک انرژی و نقش آن در ژئواکونومیک جهانی تاثیر می‌پذیرد. با توجه به موارد مطرح شده، فرضیه اصلی پژوهش حاضر تایید می گردد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

فهرست منابع و مآخذ

کتاب:

ـ آبادیان، غلامرضا (۱۳۸۷)، راهبرهای جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر نگاه نو.

ـ برزگر، کیهان (۱۳۹۴) برندگان و بازندگان ژئوپلیتیک برجام. فصلنامه علوم سیاسی. سال یازدهم، شماره ۲.

ـ بهروزی فر، امیر محمد (۱۳۸۳)، دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران، ویرایش دوم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ـ توفیق، سعید دیگران و ۱۳۹۴. راهبردهای عرصه انرژی. تهران: نشر خط سوم.

ـ حسین پور، علیرضا. ۱۳۹۵. سیاست خارجی ایران در خلیج فارس. تهران: نشر کاوش.

ـ حسینی، ابوالقاسم. ۱۳۹۶. نفت، برجام و امنیت ملی. تهران: نشر آوازه.

ـ رضاپور، علی. ۱۳۹۵. بازسازی و گسترس بخش نفت ایران در دوران پسا توافق هسته‌ای: برنامه‌ها، مشکلات و ابهامات. تهران: نشر نوین.

ـ روزبهانی، کریم (۱۳۸۴) رویکرهای امنیت ملی در جهان سوم، تهران: نشر طرح نو.

ـ روشندل، جلیل (۱۳۷۴) امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران: نشر سمت.

ـ سیف زاده، حسین (۱۳۸۳) اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.

ـ عادلی، محمدجواد. ۱۳۸۷. امنیت انرژی. تهران: نشر گستره.

ـ عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹) نظریه‌های امنیت، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.

ـ عبدلی، محمدحسین. ۱۳۹۱. نفت و منازعه در خاورمیانه. تهران: نشر قائم.

ـ عیوضی، حسین (۱۳۸۵) امنیت ملی و جهان سوم، تهران، نشر طرح نو.

ـ قادری، صادق (۱۳۷۰) امنیت ملی، تهران: نشر آفتاب.

قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴) اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.

ـ قالیباف، محمدباقر و دیگرانو ۱۳۹۳. ژئوپلتیم انرژی و امنیت جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر آدینه.

ـ کریمی، علیرضا (۱۳۸۸) کتاب خاورمیانه ۳، تهران:موسسه ابرار معاصر تهران.

کمپ، جفری و رابرت هارکاوی(۱۳۸۳). جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه: سیدمهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ـ مهدیان، محمود و معصومه فخری. ۱۳۹۱. امنیت انرژی در ایران. تهران: نشر آدینه.

ـ نوبخت، محمدباقر. ۱۳۹۱. اثرات کوتاه‌مدت تحریم‌های بین‌المللی نفتی بر بخش انرژی ایران. تهران: نشر گستره.

ـ (شبکه خبر، ۱۳۹۱/۱۱/۹)

ـ (اقتصاد ایرانی، ۳۱ مرداد ۱۳۹۵)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

ـ (ایران اکونومیست، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۵).
ـ (سایت جوکار، ۱۰ دی ۱۳۹۱).
ـ (اقتصاد فرهیختگان، دی ۱۳۹۲).
ـ (خبرگزاری صدا و سیما، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۱)
ـ (خبرگزاری تسنیم، ۲۶ مرداد ۱۳۹۴).
ـ (خبرگزاری تسنیم، ۲۵ تیر ۱۳۹۴).
ـ (باشگاه خبرنگاران جوان، ۸ آبان ۱۳۹۲).
ـ (آفرینش ۲۵ مرداد ۱۳۹۵).
ـ (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی، ۶ فروردین ۱۳۹۵).
ـ (پانکراتنکو، ۷ آبان ۱۳۹۴)،
ـ (دنیای اقتصاد، ۱۱ اسفند ۱۳۹۵).
ـ (دنیای اقتصاد، ۳۱ تیر ۱۳۹۵).
ـ (نشریه مشعل، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۰)،
ـ (تابناک، ۱۳۹۲/۱۲/۶)
ـ (ایرنا، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۳)،
ـ (ایران اکونومیست، ۶ آبان ۱۳۹۴).
ـ (باشگاه خبرنگاران جوان).
(اخبار نفت، ۴ مرداد ۱۳۹۵).
ـ (پایگاه اطلاعاتی الف، ۷ خرداد ۱۳۹۳).
ـ (قاسمی، ۱۳۹۶/۳/۲).
ـ (انتخاب، ۱۵ تیر ۱۳۹۵).
ـ (مصاحبه با کسایی زاده، روزنامه شرق ۱۳ بهمن ۱۳۹۳)
ـ (انتخاب، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۴).
ـ (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۱/۱۹).
ـ (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵/۱۰/۲۴).
ـ (اخبار نفت، ۴ مرداد ۱۳۹۵).
ـ (پایگاه اطلاعاتی الف، ۷ خرداد ۱۳۹۳).
ـ (قاسمی، ۱۳۹۶/۳/۲).
ـ (انتخاب، ۱۵ تیر ۱۳۹۵).
ـ (مصاحبه با کسایی زاده، روزنامه شرق ۱۳ بهمن ۱۳۹۳)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

ـ (انتخاب، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۴).
ـ (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۱/۱۹).
ـ (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵/۱۰/۲۴).
ـ (مجله شعله، ۱۳۹۵: ۲).
ـ (روزنامه عصر ایرانیان، ۱۳۹۵)
ـ (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی، ۲۷ مهر ۱۳۹۳).
ـ (معظمی، ۱۳۹۵/۲/۱۱).
ـ (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی، ۹ تیر ۱۳۹۵).
ـ (اخبار نفت، ۲۱ تیر ۱۳۹۵)،
ـ (خبرگزاری فارس، ۵ تیر ۱۳۹۵).
ـ (قمصری، مرداد ۱۳۹۵).
ـ (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی، ۲۳ تیر ۱۳۹۵).
ـ (رحیمیان، ۷ مرداد ۱۳۹۵).
ـ (نفتون نیوز، ۵ تیر ۱۳۹۵)،
ـ (ایران اکونومیست، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۴).
ـ (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی، ۵ مرداد ۱۳۹۴).
ـ (اطلاعات بین المللی، ۲۱ مرداد ۱۳۷۵: ۱۰)،
ـ (پدیدار، ۱۳۹۵/۵/۴).
ـ (ایران، ۱۳۹۵/۱/۷). مذاکرات
ـ (خبرگزاری ایسنا، ۱۱ خرداد ۱۳۹۵).
ـ (ایران، ۲۵ مرداد ۱۳۹۵).
ـ (دنیای اقتصاد، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۱).
ـ (سازمان بنادر و دریانوردی، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۲)،
ـ (ایرنا، ۲ تیر ۱۳۹۵).
ـ (شبکه اطلاع رسانی نفت و گاز ۱۱ مرداد ۱۳۹۵).
ـ (خبرنگاران جوان ۲۷ آبان ۱۳۹۴)،
ـ (عصر نفت، ۲۳ تیر ۱۳۹۵)
ـ (شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی؛ ۲۹ تیر ۱۳۹۵).
ـ (حسینی، ۲۷ تیر ۱۳۹۵).
ـ (عیار آنلاین، ۷ آذر ۱۳۹۲)،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

ـ (اقتصاد آنلاین، ۴ خرداد ۱۳۹۵).
ـ (پایگاه خبری قانون، ۱۳۹۵/۱/۲۳).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]